



شعله جاوید



ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و

پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد. (اساسنامه حزب-مصوب سومین کنگره سراسری)

عقرب ۱۴۰۴ (نوامبر ۲۰۲۵)

دوره پنجم

شماره (۲۴)

پنجمین پلنوم سومین دور کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با موفقیت برگزار گردید و موفقانه پایان یافت.

پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان طبق پلان تهیه شده تدویر و موفقانه انجام یافت. صرفاً درین پلنوم یک تن از اعضای اصلی کمیته مرکزی به علت مریضی و یک تن از اعضای علی البدل کمیته مرکزی به دلیل مشکلات و محدودیتی که شامل حالشان گردیده بود، نتوانستند درین پلنوم شرکت نمایند. رفقای حاضر در پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به خاطر گرمی داشت یاد و خاطره رفیق ضیاء، رفیق عزیز، رفیق حفیظ، رفیق سلیم، رفیق مومند، رفیق کریم الله، رفیق فرهاد، رفیق وثوق، رفقای جانباخته پشه‌ئی، رفیق ظاهر، رفیق قاسمی و هم‌چنان جانباختگان راه مائوئیسم، به پا خاسته و دو دقیقه سکوت نمودند.

صفحه (۲)

به مناسبت تجلیل از سیزدهم میزان ۱۴۰۴ روز
بنیادگذاری سازمان جوانان مترقی افغانستان



زنده یاد اکرم یاری

بنیادگذار سازمان جوانان مترقی افغانستان

پیام های حمایت از پنجمین پلنوم کمیته مرکزی:

- پیام حمایت کمیته منطقوی هفتم قوس (صفحه ۱۰)
- پیام حمایت کمیته روابط بین المللی (صفحه ۱۰)
- پیام حمایت کمیته هواداران (واحد اروپا) (صفحه ۱۱)
- پیام حمایت از شهر میلان - ایتالیا (صفحه ۱۲)
- پیام حمایت از مغاره نشینان بامیان (صفحه ۱۲)
- پیام حمایت کمیته منطقوی ۱۳ میزان (صفحه ۱۳)
- پیام حمایت کمیته هواداران (واحد ایران) (صفحه ۱۴)
- پیام حمایت کمیته هواداران (واحد آلمان) (صفحه ۱۴)
- پیام حمایت کمیته واحد منطقوی شماره ۴۴ (صفحه ۱۵)



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اسامنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



پنجمین پلنوم سومین دور کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با موفقیت برگزار گردید و موفقانه پایان یافت.



پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان طبق پلان تهیه شده تدویر و موفقانه انجام یافت. صرفا درین پلنوم یک تن از اعضای اصلی کمیته مرکزی به علت مریضی و یک تن از اعضای علی البدل کمیته مرکزی به دلیل مشکلات و محدودیتی که شامل حال شان گردیده بود، نتوانستند درین پلنوم شرکت نمایند. رفقای حاضر در پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به خاطر گرمی داشت یاد و خاطره رفیق ضیاء، رفیق عزیز، رفیق حفیظ، رفیق سلیم، رفیق مومند، رفیق کریم الله، رفیق فرهاد، رفیق وثوق، رفقای جان باخته پشه‌ئی، رفیق ظاهر، رفیق قاسمی و هم‌چنان جان‌باختگان راه مائوئیسم، به پا خاسته و دو دقیقه سکوت نمودند.

ابتدا اجندای جلسه توسط دفتر سیاسی در پلنوم پیش‌نهاد گردید. و سپس پلنوم توسط رفیق لهیب شروع شد و رفیق دست‌آوردها، کمبودات، عقب‌گردهای حزب را از زمان ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تا کنون به صورت مختصر این‌گونه بررسی نمود.

رفقا!

بیست و یک سال پیش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ایجاد گردید. حزب ما در طی بیست و یک سال مسیر مبارزاتی پر فراز و نشیب و مملو از مساعدت‌ها و نامساعدت‌ها، فرصت‌ها و مخاطرات و دستاوردها و عدم دستاوردها را طی کرده است. هرگاه پراتیک مبارزاتی

مبارزه صورت بگیرد. شما چه بخواهید و چه نخواهید روشنفکر دارای منشأ خرده بورژوازی است. این افکار به شکلی از اشکال در درون حزب رخنه نموده است. آن عده از رفقای حزب که به صورت درست نتوانسته اند مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم را درک نمایند، و یا به عبارت دیگر تلاش جدی برای آموزش مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم به خرج نداده اند، نظرات نادرست، بیشتر گریبان‌گیرشان گردیده است. یکی از علل مهم وجود و رشد چنین نظرات نادرست این است که ارگان‌های رهبری حزب علیه این گونه نظرات نادرست توجه جدی ننموده و اعضای حزب را به اندازه کافی با روح و مشی صحیح حزب پرورش نداده اند.

از یک طرف مبارزه ناکافی علیه نظرات نادرست و از طرف دیگر نظام حاکم طالبانی، زمینه ساز آن شد که بسیاری از رفقا پاسیفیزم خود را زیر نام مخفی کاری توجیه کنند. همچنان باید اذعان نمود که مبارزه امپریالیسم با فئودالیسم نه به منظور سرنگونی آن، بلکه به منظور استحاله نمودن آن صورت می‌گیرد و اگر این نکته درک نگردد، هرگز موضع‌گیری درست و اصولی به پیش نخواهد رفت. به همین خاطر هم بود که صدر مائوتسه دون به صراحت چنین بیان کرده است: «بسیاری از اعضای حزب فقط

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را از زمان برگزاری موفقیت‌آمیز کنگره وحدت تا حال در عرصه‌های مختلف مبارزاتی در نظر بگیریم، به خوبی مشاهده خواهیم نمود که عرصه پراتیکی حزب شامل دست‌آوردها و پیشرفت‌ها و هم شامل ضایعات و عقب‌گردها بوده و حتی بعضی از اعضای حزب به انحرافات عمیق ایدئولوژیک - سیاسی گرفتار شده اند. ما باید طبق اصول مائوئیستی هم دست‌آوردها و پیشرفت‌ها و هم ضایعات و عقب‌گردهای مان را به ارزیابی بگیریم و عقب‌گردها و نواقص خود را نشانی نموده و جدا مورد انتقاد قرار دهیم، تا بتوانیم مشکلات پیش آمده را مرفوع نموده و یا آن را به حداقل برسانیم.

امروز در درون حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مشکلاتی وجود دارد که در راه تطبیق مشی عمومی حزب موانع ایجاد می‌کند. حزب بدون اصلاح کامل این مشکلات قطعاً قادر نخواهد بود وظایفی را که مبارزه انقلابی در افغانستان بر عهده اش گذارده است، انجام دهد. علل بروز این مشکلات از کجا ناشی می‌شود؟ بدیهی است که سرچشمه پیدایش این‌گونه مشکلات در حزب از آن جایی است که نظریات روشنفکرانه خرده بورژوازی هنوز در حزب موجود است و باید با آن

از لحاظ تشکیلاتی عضو حزب اند، ولی هنوز از لحاظ ایدئولوژیک کاملاً و یا اصلاً به حزب نیویسته اند... آن‌ها نمی‌دانند که ایدئولوژی پرولتاریائی، کمونیسم و حزب چیست؟» (مائوتسه دون - منتخب آثار - جلد سوم - صفحه ۱۴۲)

طبق گفته مائوتسه دون، هرگاه رفقا درک کنند که «ایدئولوژی پرولتاریائی، کمونیسم و حزب چیست؟» هرگز به موضع‌گیری‌های نادرست نخواهند غلطید. برای رفع این مشکل باید که به مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم مراجعه نموده و دقیقاً آن را بیاموزیم. امید است که رفقا در این مورد عطف توجه نموده و در این پلنوم راه حلی ارائه دهند.

به تعقیب آن رفقای کمیته مرکزی پیرامون اجندای پیش‌نهادی دفتر سیاسی حزب با دقت بحث و تبادل نظر نموده و به نتیجه‌گیری‌های ذیل نایل آمدند. درین‌جا مختصراً چند فیصله از مهم‌ترین فیصله‌های این پلنوم را بر می‌شماریم:

۱. در مورد پاسیفیزم:-

پاسیفیزم یک شبهه به وجود نمی‌آید، بل که یک پروسه است. هرگاه علیه این پدیده شوم مبارزه صورت نگیرد، نه تنها که مشکلات فراوانی بوجود می‌آورد، بل که حزب را به قهقرا سوق می‌دهد. صدر مائوتسه دون می‌گوید: «همان‌گونه که می‌گوییم، اگر اتاقی به‌طور منظم تمیز نشود، گرد و غبار در آن جمع می‌شود؛ اگر صورت‌مان را مرتب نشوییم، گرد و غبار بر آن می‌نشیند. ذهن همکاران ما و فعالیت حزب ما نیز ممکن است گرد و غبار جمع کند و نیاز به جارو زنی و شستشو دارد.» گزارش به دومین پلنوم

هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۵ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

هدف رفیق مائوتسه دون از پاک نمودن گرد و غبار، پاک نمودن گرد و غبار ایدئولوژی بورژوازی است. مبارزه با پاسیفیزم، نیز به معنای زدودن گرد و غبار ایدئولوژی بورژوازی است. رفقای که به این مرض مزمن گرفتارند، یگانه راه علاج شان واکسین ضد پاسیفیزم است. یعنی مطالعه دقیق و عمیق مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم و تطبیق آن در عمل است.

ما باید با صراحت بر خویش انتقاد نماییم زیرا به اساس گفته کارل مارکس و فریدریش انگلس: «کمونیست‌ها عار دارند که نظریات خویش را پنهان نمایند. آنان آشکارا اعلان می‌کنند که هدفشان چیزی نیست مگر سرنگونی قهری تمامی نظم اجتماعی موجود. طبقات حاکم باید از انقلاب کمونیستی بترسند. پرولتاریا چیزی برای از دست دادن ندارد مگر زنجیرهای خود را، اما جهانی برای بدست آوردن دارد.»

با تاسی ازین بیانات، باید با صراحت گفت که عدم مبارزه جدی و پی‌گیر علیه نظرات نادرست زمینه‌ساز رشد پاسیفیزم در درون حزب گردیده، و این حرکت غیر اصولی تا آن‌جا ریشه دوانده که دامن بعضی و فقط بعضی از رفقای کمیته مرکزی را نیز گرفته است. حزب با مبارزات فعال ایدئولوژیک - سیاسی رشد و استحکام می‌یابد و گسترش پیدا می‌کند، فراموش نمودن مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی نه تنها این که حزب را ضربه می‌زند، بل که به سوی فروپاشی و انحلال سوق می‌دهد. تجارب بیست و یک ساله حزب ما به خوبی بیان‌گر این مدعا است.

در شرایط کنونی که طالبان حاکم در کشور هستند و انقلابیون مورد پیگیری قرار دارند، اصول مخفی‌کاری را باید بیاموزیم. اصول مبارزه و برخورد با پولیس مخفی را بیاموزیم و این آموزش‌ها یک اصل است که ما باید بدان توجه ویژه داشته باشیم. بر مبنای اصول پنهان‌کاری و پنهان پژوهی است که می‌توانیم به تبلیغ و ترویج بپردازیم، نشرات حزبی را مطالعه نماییم، نشرات حزبی را انتقال داده و نشر و پخش نماییم، در غیر آن اگر تحت نام این که طالبان شرایط خفقان‌آوری را در افغانستان ایجاد نموده از تلاش دست بکشیم، بدین معناست که راه را برای پاسیفیزم باز نموده ایم. اما پلنوم به این نتیجه‌گیری رسید که شرایط برای مبارزه علیه امارت اسلامی طالبانی و حامیان امپریالیسم اشغال‌گرا و هم‌چنین بسیج توده‌ها و نسل جوان کشور بیشتر از پیش بوجود آمده است. یا به عبارت دیگر مبارزه علیه رژیم طالبانی و حامیان امپریالیست شان نسبت به دوران رژیم پوشالی کرسی - غنی آماده‌تر است. ما با چشم سر مشاهده می‌کنیم که روز به روز موج نفرت و انزجار علیه طالبان بیشتر و بیشتر می‌گردد و توده‌های ستم‌دیده و به خصوص زنان کشور نسبت به دوران رژیم پوشالی کرسی - غنی حاضر و آماده تر برای مبارزه علیه این رژیم اند. ما باید این مبارزه را به دیده قدر نگریسته و هرچه بیشتر تلاش نمائیم تا این مقاومت را سمت و سوی انقلابی بدهیم.

ما در بسیاری از پلنوم‌های کمیته مرکزی صریحاً بیان نمودیم که حزب ما از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی هنوز استحکام نیافته است. علل عدم استحکام حزب را در عدم آموزش آثار کلاسیک و اسناد حزبی بررسی نمودیم و راه حل آن را ارائه کردیم.

پلنوم پنجم به این نتیجه‌گیری رسید که یگانه راه حل این معضل، مطالعه، باز هم مطالعه و باز هم مطالعه است. تمامی اعضای حزب از صدر تا ذیل باید آثار رهبران انقلاب را با اسناد حزبی به طور دقیق مطالعه نمایند. در این‌جا منظور از مطالعه آثار کلاسیک و اسناد حزب مطالعه واقعی آن‌ها است یعنی باید این آثار و اسناد دقیق مطالعه گردد و هضم شود. هرگاه رفقا زحمت چنین کاری را به خود بدهند با اطمینان می‌توان گفت که حزب نه تنها بر پاسیفیزم غلبه خواهد نمود، بل که از استحکام و گسترش بیشتری برخوردار خواهد شد، و راه را برای تدارک و برپایی جنگ خلق هموار خواهد ساخت.

صدر مائوتسه دون به وضاحت درین زمینه بیان کرده است که:

«بالاخره ما باید به خود تکانی دهیم و در مطالعه سخت جدیت کنیم. این سه کلمه را علامت بگذارید، "سخت"، "جدیت"، "کردن" ما باید به خود تکانی داده سخت جدیت کنیم. در حال حاضر بسیاری از رفقای ما سخت جدیت نمی‌کنند و بعضی‌ها انرژی اضافی خود را بعد از کار عمدتاً صرف ورق بازی و بازی مازنگ و رقص می‌کنند. من فکر می‌کنم این بد است. ما باید انرژی اضافی بعد از کارمان عمدتاً وقف مطالعه کنیم. مطالعه را باید به عادت تبدیل نماییم. چه چیز را باید مطالعه کرد؟ یکی مطالعه مارکسیسم - لنینیسم است، دیگری تکنولوژی و سومی علوم طبیعی. علاوه بر این‌ها، ادبیات و بویژه تئوری‌های ادبیات است که کادرهای رهبری باید قدری راجع به آن‌ها بدانند. آن‌ها باید مقداری هم دانش روزنامه نگاری و تعلیم و تربیت داشته باشند. به طور خلاصه طیف وسیعی از دانش وجود دارد، که ما باید درکی عمومی از آن‌ها

داشته باشیم چون که قرار است ما بر این امور رهبری نماییم! افرادی مثل ما را چه نوع متخصصینی می توان نامید؟ ما را می توان متخصص سیاسی نامید. چگونه قادر می شویم بدون داشتن دانش درباره این مطالب پیش رویم و بر آن ها رهبری اعمال کنیم؟» (مائوتسه دون - جلد دوم - مجموع

آثار - صفحه ۴۴۸ - ۴۴۹ - مصحح عزیرالله علیزاده

برای این که حزب بر پاسیفیزم غلبه نماید و استحکام پیدا کند، نیاز به آموزش و تربیت ایدئولوژیک در مبارزات سترگ سیاسی دارد. بدون انجام این وظیفه هرگز قادر نخواهیم بود که وظایف سیاسی خود را به پیش ببریم. کمبود آموزش و تربیت ایدئولوژیک سیاسی ضعف و نواقص جدی را برای ما بار خواهد آورد همان طوری که تا الحال به بار آورده است. اولین نکته ضعف این است که بسیاری از رفقا جرأت کار در میان جوانان را ندارند و بسیاری از رفقا هنوز برای کار در میان جوانان و جلب شان از خود آمادگی نشان نمی دهند. تا زمانی که رفقا این جرأت را کسب نکنند، هرگز نمی توانند پاسیفیزم را از خود دور سازند و از استحکام ایدئولوژیک - سیاسی برخوردار گردند. پلنوم پنجم به این فیصله دست یافت که رفقای سطوح بالا باید کار آموزشی را با این رفقا پیش ببرند تا این نقیصه رفع و رفقا از موضع حزب دفاع کرده بتوانند.

چاره و راه حل این مشکل آن است که باید تلاش ورزیم تا معرفت سیاسی خود را بالا ببریم، ما باید جداً به مطالعه آثار کلاسیک به پردازیم و اسناد حزب (نشرات حزب) را به طور دقیق مطالعه نموده و حداقل اساس نامه حزب را یک بار در ماه به طور دقیق مطالعه نماییم.

یک نکته را باید یادآوری کنیم که برای فرا گرفتن واقعی مارکسیزم - لنینیزم - مائوتیزم نه تنها از خلال کتاب ها شان، بل که به طور عمده در تطبیق آن از طریق مبارزه طبقاتی، کار عملی و ارتباط نزدیک با توده های زحمتکش است که می توان به درک آن نایل آمد.

پاسیفیزم معمولاً به عنوان یک موضع ایدئالیستی، غیرانقلابی و حتی زبان آور ارزیابی می شود. چرا؟ چون مائوتیزم بر این باور است که تضادهای اساسی جامعه طبقاتی بدون مبارزه قهرآمیز (انقلابی) حل نمی شوند و طبقه حاکم هرگز داوطلبانه قدرت را واگذار نمی کند. «تاریخ همه جوامع تا به امروز، تاریخ مبارزه طبقاتی است» و طبقه حاکم قدرت را با خواهش و مذاکره واگذار نمی کند. از این نظر، پاسیفیزم چشم بر واقعیت ستم و زور می بندد. همانند حاکمیت فعلی که امارت اسلامی طالبان بر اریکه قدرت تکیه زده و ما خواهیم بر واقعیت ستم و زور چشم ببندیم، این خود بخشی از پاسیفیزم است. پاسیفیزم میتواند به تسلیم طلبی ملی و طبقاتی بیانجامد، زیرا امپریالیزم و استعمار با خشونت مسلحانه سرکوب می کنند، پس جنبش های آزادی بخش نیز باید آمادگی قهر انقلابی از طریق برپایی جنگ خلق را داشته باشند. در غیر آن پاسیفیزم در چنین شرایطی شکل دیگری از تسلیم طلبی ملی و طبقاتی را با خود حمل خواهد کرد.

شعار معروف صدر مائوتسه دون مبنی بر این که « قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون میشود» در حل تضاد اساسی و تضاد عمده کاملاً صادق است، زیرا بدون جنگ انقلابی تغییر بنیادین ممکن نیست. پاسیفیزم در نقطه مقابل این شعار معروف مائوتسه دون قرار دارد.

به بیان ساده تر باید گفت که برای مائوئیست ها، پاسیفیزم یک رویکرد اخلاقی آرمان گرایانه است که در دنیای واقعی مبارزه طبقاتی، اغلب به نفع ستم گران تمام می شود. مائوئیست ها به جای «رد قهر»، به «قهر انقلابی هدفمند» به عنوان ابزار رهایی باور دارند. بدین اساس است که ما روی آموزش و تربیت ایدئولوژیک سیاسی بر مبنای اصول مارکسیزم - لنینیزم - مائوتیزم درین پلنوم تاکید می ورزیم.

۲. در مورد اصل انتقاد و انتقاد از خود

ماده سوم آئین نامه تشکیلاتی در مورد انتقاد و انتقاد از خود چنین بیان می دارد:

«ماده سوم: اجرای جدی و پیگیر اصل انتقاد و انتقاد از خود در کل بدنه تشکیلاتی و در تمامی سطوح رهبری حزب جهت شناسائی کمبودات و اشتباهات اعضا و سازمان های حزب و رفع آن ها یک امر حیاتی است. اصل انتقاد و انتقاد از خود مبین انتقاد از خود و انتقاد از دیگران است.»

این ماده بیان گر آنست که تمامی اعضا و داوطلبان عضویت باید اصل انتقاد و انتقاد از خود را به طور جدی و پی گیر اجرا نمایند. انتقاد از خود به معنای درک کمبودات و اشتباهات خود بوده و نفی این نواقص و ارتقای جنبه های مثبت در وجود خود می باشد. انتقاد از دیگران نیز همین گونه است. مهم ترین معیار دقیق سنجش یک حزب سیاسی و حتی یک فرد مائوئیست در برخورد به اشتباهات و کمبوداتش می باشد. این معیار بیان کننده آن است که یک حزب سیاسی و یا یک فرد مائوئیست چقدر در برخورد با اشتباهاتش جدی است و چگونه می تواند در عمل نشان دهد که از اشتباهات گسست نموده است. سلاح انتقاد از خود، نه تنها که به استحکام حزب کمک می کند، بل که پیوند حزب با توده ها را نیز مستحکم می نماید.

صدر مائوتسه دون درین زمینه به وضاحت مطرح نموده است که: «انتقاد باید صریح باشد. من در این کنفرانس انتقاد تعدادی از رفقا را چندان صریح نیافتم. به نظر می رسد که آن ها از رنجاندن دیگران واهمه دارند. اگر شما بقدر کافی صریح نباشید، اگر نیش به قلب نرسد، فرد مورد انتقاد دردی احساس نکرده و توجه و اعتنائی نیز نخواهد کرد. فرد را با نام و اداره مربوطه اش مشخص کنید. کار تو بد بوده است و من راضی نیستم و اگر احساس رنجش می کنی، خوب بکن. ترس از رنجاندن دیگران تنها ترس رنج از دست دادن رای است و ترس از مناسبات ناراحت کننده در کار با دیگران. آیا اگر شما به من رای ندهید من کاسه برنجم را از دست خواهم داد؟ به هیچ وجه چنین نیست. در واقع، اگر شما فکرتان را بگوئید و مسایل را صریحاً درک کنید در این صورت همکاری دیگران را آسانتر خواهید کرد. شاخ های تانرا تو نکشید. گاو نر چرا دوشاخ دارد؟ برای جنگیدن، دفاع از خود و حمله. من اغلب از رفقا می پرسم که آیا روی سرشان شاخ دارند یا خیر. رفقا به سرتان دست بزنید و ببینید شاخ دارید یا نه. رفقای را می بینم که شاخ دارند ولی زیاد تیز نیست و سایرین اساساً شاخ ندارند، به عقیده من بهتر است که شاخ داشت و این چه به نفع مارکسیزم است. یکی از اصول مارکسیزم انتقاد و انتقاد از خود است.» (مائوتسه دون - مجموع آثار (بیانیه ها، اعلامیه ها و سخنرانی ها) جلد دوم - صفحه ۱۸۶ - ۱۸۷ -

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین - ۲۱ مارس ۱۹۵۵ - مصحح عزیرالله علیزاده

۳. نقض انضباط حزبی

مشي عمومي حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بر سانترالیزم دموکراتیک که در آن سانترالیزم عمده است تأکید می‌ورزد. یعنی اعضا آزادند قبل از تصمیم‌گیری بحث کنند، اما وقتی تصمیم جمعی گرفته شد، همه باید بدون تردید آن را اجرا کنند. چرا این بحث مهم است؟ زیرا این اصل، یک اصل مائوئیستی است و حزب بدون انضباط، عملاً فرو می‌پاشد.

صدر مائو می‌گفت: «بدون انضباط آهنین، ارتش سرخ نمی‌تواند حتی یک روز دوام بیاورد.»

چه در کار مخفی، چه در کار توده‌ای یا عملیات مسلحانه، هر عضو حزب باید بداند که پایبندی به دستورات و برنامه واحد، شرط موفقیت است. مائوئیسم فردگرایی، بی‌تفاوتی و خودسری را آفت حزب انقلابی می‌داند. انضباط، تضمین می‌کند که خط مشی حزب بر پایه جمع و تجربه توده‌ها پیش برود، نه خواست شخصی افراد. انضباط فقط به معنای «اطاعت کور» نیست، بلکه باید همراه با روحیه خدمت به خلق باشد. صدر مائو تأکید می‌کرد که رفتار منظم، صداقت و پایبندی به اصول، باعث جلب اعتماد توده‌ها به حزب می‌شود. احزاب مائوئیستی معمولاً زیر فشار پلیس، ارتش، و جنگ روانی قرار دارند. انضباط سخت، جلوی رخنه دشمن، پراکندگی تشکیلاتی و شکستن جبهه متحد را می‌گیرد.

به زبان ساده، برای یک حزب مائوئیستی، انضباط حزبی همان ستون فقرات حزب است: بدون آن، سازمان به سرعت متلاشی یا بی‌اثر می‌شود، و با آن، حتی در شرایط سخت می‌تواند دوام بیاورد و پیشروی کند.

متأسفانه حزب ما در طول مدت بین دو پلنوم گذشته، و نظر به گزارش واحدهای منطقوی، شاهد نقض انضباط حزبی توسط بعضی از رفقا بوده است، که باید اصلاح گردد و در غیر آن حزب با ضربات جبران ناپذیر مواجه خواهد گردید. نقض انضباط حزبی بدین مفهوم است که فیصله‌های به عمل آمده توسط حزب را یا اصلاً اجراء نکنیم و یا اینکه اهمیتی بدان قایل نشویم و یا اگر اجراء کنیم بطور ناقص اجراء نماییم که این خود به قول صدر مائو تئسه دون «نشانه‌ای از پوچیزم» است و «منشأ اجتماعی پوچیزم عبارت از پیوند ایدئولوژی لومپن پرولتاریا با ایدئولوژی خرده بورژوازی است.» (در باره اصلاح نظرات نادرست در حزب)

در گزارش سیاسی به دومین کنگره سرتاسری حزب می‌خوانیم:

«ما باید جداً توجه داشته باشیم که یک حزب مائوئیستی باورمند به استراتژی مبارزاتی جنگ خلق و در حال تدارک برای برپایی و پیشبرد چنین جنگی، باید حزب آهنینی باشد که اعضای آن نظم تشکیلاتی را دقیقاً رعایت کنند، انضباط حزبی را قویاً در نظر بگیرند، سلسله مراتب تشکیلاتی حزبی را بصورت نیرومندی پاسداری کنند و در یک کلام نمونه انضباط، دسپلین و رعایت اصول و احکام تشکیلات حزبی باشند و نه عناصر لیبرال بی انضباط که پیوسته از نظم تشکیلاتی فرار نمایند.»

بدین اساس است که ما باید اول از خود شروع کنیم. بگذارید صریح باشیم و بطور شفاف حرف بزنیم. در قدم اول موفق نشدن و بی نتیجه ماندن فعالیت‌ها نتیجه کم کاری "دفتر سیاسی" و "کمیته مرکزی حزب" است. این کم کاری زمینه ساز آن شده تا فیصله‌های حزب به طور کامل تطبیق نگردد. عملی نکردن فیصله‌ها، زمینه ساز پاسیفیزم در حزب گردیده است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مارکسیزم — لنینیسم — مائوئیسم را به مثابه ایدئولوژی رهنمای اندیشه و عمل خود پذیرفته و به کار می‌بندد. ما نمی‌توانیم به عقب برگردیم و باید به پیش برویم، باید در راه استحکام و گسترش گام برداریم و نظرات نادرست در حزب را اصلاح کنیم. سطح آگاهی رفقا را بالا ببریم و شیوه تربیت کادرها را بیاموزیم و بیاموزانیم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که جنبه مهم گسترش تشکیلات حزب، گسترش آن به محلات روستایی است. رفقا باید توجه بیشتر به روستاها داشته باشند و بین دهاقین که نیروی عمده انقلاب هستند کار نمایند. فلسفه علمی را بین توده‌ها ببرند و تمرکز کارشان باید در روستاها باشد و مطابق اصل محاصره شهرها از طریق دهات عمل نمایند. از توده‌ها بیاموزند و دوباره به توده‌ها بیاموزانند، در غیر آن روحیه شهرنشینی و روحیه انتقال از روستا به شهر حاکم خواهد شد.

با کمال تأسف که روحیه خود بخودی موجود در بین بسیاری اعضا، داوطلبان عضویت و هواداران حزب، به تبعیت از روحیه عمومی موجود در میان مردم، روحیه شهر نشینی و روحیه انتقال از روستاها به شهرها است. ما باید خلاف این جریان شنا کنیم و برای گسترش تشکیلات حزب به محلات روستایی برنامه‌ای روی دست بگیریم. این بحث بدان معنا نیست که ما گسترش تشکیلات حزب در شهرها را نادیده گرفته‌ایم، البته گسترش اعضای حزب و داوطلبان عضویت در حزب در درون شهرها نیز یک جنبه مهم گسترش تشکیلات حزب محسوب می‌گردد؛ ولی به محلات روستایی باید عطف توجه بیشتری نمود.

انتقاد از خود جرأت و شهامت می‌خواهد، این جرأت و شهامت را فقط مائوئیست‌ها دارند. رفقا نباید فکر کنند که هرگاه از دیگران و یا از خود صریحاً انتقاد نمایند شخصیت طرف مقابل و یا خودشان له می‌گردد. تمام رفقا از هیأت رهبری گرفته تا اعضا و داوطلبان عضویت باید نمونه تیپیک از یک مائوئیست بوده و رک و صریح از خود و از دیگران انتقاد نمایند، و به هیچ عنوان انتقاد و انتقاد صریح را ضربه روحی به رفیق تلقی نکنند. هرگز انتقاد از خود را کسر شأن تلقی نکنند، زیرا انتقاد به منظور ارتقاء نیروی رزمنده حزب است. بنا به قول مائو تئسه دون «انتقاد صادقانه درون حزبی که بی‌دریغ تمام اشتباهات سیاسی و تشکیلاتی حزب را بر ملا می‌کند، نه تنها از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک حزب را از ابتلا به امراض لیبرال منشانه بورژوازی بر حذر می‌دارد، بلکه خود "سلاحیست که به امر استحکام تشکیلات حزب و تقویت نیروی رزمنده حزب خدمت می‌کند."» (مائو تئسه دون - درباره اصلاحات نظرات نادرست در حزب - ساختمان حزب -

از اعضای حزب به خودسری و بی‌انضباطی دست زدند و آشکارا مواد آئین‌نامهٔ تشکیلاتی را نقض نمودند، اما جای مبارزه جدی درونی و افشاء بی‌رحمانهٔ این حرکات نادرست، مسامحه صورت گرفت، قصور در راه اندازی مبارزه علیه نقض صریح اساس‌نامه و عدم مبارزه علیه خودسری‌ها و بی‌انضباطی، راه را برای انحلال‌طلبی و پاسیفیزم باز نمود. کمیته مرکزی بعد از درگذشت رفیق ضیاء به صورت اساسی توانست که مسئلهٔ انحلال‌طلبی را حل کند و حزب را از انحلال قطعی نجات دهد. امروز باید که کمیته مرکزی و تمامی کادرهای حزب یک پارچه علیه پاسیفیزم، خودسری و بی‌انضباطی به مبارزه برخیزند، به یقین می‌توان گفت که از طریق چنین مبارزه می‌توان این بلایا را ریشه کن نمود.

آیا رفقا تا کنون از خود سوال نموده اند که اوضاع و شرایط کنونی افغانستان چه مسایلی را در برابر ما قرار داده است؟ هرگاه رفقا این پرسش را از خود می‌نمودند، حتماً راه حلی به آن پیدا می‌کردند.

درست است که مشی عمومی حزب ما کاملاً صحیح است. مشی صحیح به تنهایی کافی نیست، باید آن را دقیقاً به کار بست و به آن پایبند بود، و روح خود را باید طبق این مشی عمومی پرورش داد. و مشی صحیح را به میان توده‌ها برد. وقتی بعضی از رفقا به کار تبلیغی و ترویجی، گزارش‌دهی و گزارش‌گیری اهمیتی نمی‌دهند، چگونه می‌توانند مشی عمومی حزب را به میان توده‌ها ببرند. برای این که رفقا بتوانند مشی عمومی حزب را بکار بندند و سبک برخورد خود را در درون و بیرون حزب طبق مشی عمومی حزب عیار سازند، باید به سبک آموزش خود تجدید نظر نمایند. بر ما لازم است تا مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم را به طور دقیق بیاموزیم. در غیر این صورت دچار ذهنی‌گرایی خواهیم شد. ذهنی‌گرایی در تناقض با مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم قرار دارد. مسئلهٔ سبک آموزشی شیوه تفکر ارگان‌های رهبری و یکی از اصول مائوئیستی است، که صدر مائوتسه دون نیز بدان تأکید نموده است. صدر مائوتسه دون برای اصلاح سبک کار حزب چنین گفته است:

«مسئلهٔ سبک آموزش عبارت است از شیوه تفکر ارگان‌های رهبری و تمام کادرها و اعضای حزب، برخورد ما به مارکسیزم - لنینیزم و برخورد کلیه رفقای حزبی به کار خویش، بدین ترتیب مسئله دارای اهمیت فوق‌العاده، دارای اهمیت درجه اول است.» (مائوتسه دون سبک کار حزبی را اصلاح کنیم - اول فوریه ۱۹۴۲)

ما باید تمام روزهایی که در تخالف با مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم قرار دارد ببندیم، زیرا چنین روزهائی زبینه یک حزب مائوئیستی نیست. امروز در درون حزب بادهای ناسالمی از قبیل پاسیفیزم، نقض انضباط حزبی می‌وزد و پیوسته ایجاد مزاحمت می‌کند. بنابر این بر ما لازم است که علیه آن مقاومت کنیم و با مبارزات جدی منشأ آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ماهیت آن را افشا سازیم. راه اصلاح آن عبارت از راه اندازی مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی و انتقاد جدی از نظرات نادرست و تقویت کار تربیتی است. در گزارش سیاسی به دومین کنگره سرتاسری حزب چنین می‌خوانیم:

«رفع این مشکل هیچ راه دیگری ندارد جز پیشبرد یک مبارزهٔ خطی آموزش دهنده در مورد شیوهٔ مناسب مبارزات خطی درونی بر مبنای فرمول‌بندی مائوئیستی وحدت-مبارزه-وحدت از یک‌جانب و پیشبرد

ده سال از این گزارش می‌گذرد، اما مشاهده می‌شود که بعضی از رفقا از نظم تشکیلاتی فرار می‌کنند. ما باید طبق مشی عمومی حزب مان حرکت نمائیم و آن قواعد و روش‌هایی که دیگر مفید نیستند تغییر دهیم. تنها بدین‌گونه می‌توان مسایل را حل کرد و بر مشکلات پدید آمده فایق آمد. برای فایق آمدن بر این مشکلات به کادرها و جانشینان انقلابی ضرورت داریم. ما باید در ضمن پیشبرد مبارزات درونی به تربیت کادرها نیز عطف توجه نمائیم. هر گاه ما نتوانیم کادرها و جانشینان انقلابی را تربیه نمائیم، به یقین می‌توان گفت که به سرنوشت حزب کمونیست سیلون دچار خواهیم شد. این مطلب در گزارش سیاسی به دومین کنگره سرتاسری حزب با صراحت چنین بیان گردیده بود:

«کم توجهی و در مواردی حتی بی‌توجهی به تربیت کادرها و جانشینان انقلابی در حزب، یک مشکل مهم در حزب ما است که اگر هرچه زودتر اصلاح نگردد، حزب ما در طی سال‌های آینده به سرنوشت حزب کمونیست سیلون دچار خواهد شد. حزب مذکور یکی از احزاب پیشرو در تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بود، ولی چون نتوانست امر تربیت جانشینان انقلابی در حزب را متحقق سازد، بعد از درگذشت رهبر بنیانگذارش در معرض فروپاشی قرار گرفت و وقتی یکی دو تن دیگر از رهبران آن حزب نیز درگذشتند، کل حزب فروپاشید و حتی نام آن از لیست اعضای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی حذف گردید.»

پس از ده سال متأسفانه که به طور شاید و باید نتوانستیم جانشینان انقلابی را تربیت نمائیم. علت اساسی این امر آنست که به صورت درست و اصولی علیه نظرات نادرست در درون حزب مبارزه صورت نگرفته است. وقتی رفیقی که اشتباه نموده برای این که آزرده خاطر نشود رفقا جای مبارزه علیه اشتباهاتش، مصلحت‌گرایی را ترجیح داده اند. در حالی که اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی حکم می‌کند: هر زمانی که اختلافی در درون حزب ایجاد می‌شود، وظیفه هر یک از اعضا و داوطلبان عضویت حزب است که اختلافات را ریشه‌یابی نموده و با دقت کامل مورد غور و بررسی قرار دهند، و صادقانه طرف درست را بگیرند یا به عبارت دیگر موضع خود را مشخصاً بیان نمایند و به این طریق مبارزات درون حزبی را دامن زنند، نه این که سکوت نموده و آن را به جریان حوادث بسپارند. مصلحت‌گرایی به هیچ وجه مورد قبول نیست، زیرا هیچ مصلحتی بالاتر از مصلحت اصول نیست. حزب ما زمانی می‌تواند جنبش کمونیستی افغانستان را در شاهراه مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم به پیش برد و وحدت حزب را استوار نگه دارد که رفقای ما روی مصلحت اصول پا فشاری کنند. گرچه بعضی رفقا دقیقاً درک می‌کنند که نظرات فلان رفیق درست نیست، سکوت می‌کنند. سکوت هم نشانهٔ از مصلحت‌گرایی است. مصلحت‌گرایی خلاف اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی است. و به قول صدر مائوتسه دون نشانهٔ از لیبرالیزم می‌باشد.

حزب ما تجاربی از این مصلحت‌گرایی دارد، در طول دوران حیات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تلاش صورت گرفته تا مشکلات پدید آمده با مصلحت‌گرایی حل و فصل گردد. نتیجه زیان‌بخش آن را بعد از درگذشت و حتی در زمان حیات رفیق ضیاء به خوبی مشاهده نمودیم. تکرار اشتباه نقض انضباط حزبی و خطای سیاسی بزرگ است.

ما در زمان حیات رفیق ضیاء هم بار بار مشاهده نمودیم که بعضی

حزبی است. عدم پرداخت حق العضویت‌ها و یا پرداخت ناکافی و غیر منظم حق العضویت‌ها، حزب را به درجات مختلف در مضیقۀ مالی قرار می‌دهد و اجرای برنامه‌های مبارزاتی حزب را با مشکلات مواجه می‌سازد.

رفقا بخوبی می‌دانند که پرداخت حق العضویت به وقت معینه و بطور منظم یکی از شروط اولیۀ عضویت هر فرد در حزب است. هر گاه رفقا این اصل آئین‌نامه تشکیلاتی را در نظر نگیرند و حق العضویت شان را بطور ناقص و ناکافی و غیر منظم پرداخت نمایند در حقیقت شرط اولیۀ مذکور را به درجات مختلف خدشه دار ساخته و به انضباط حزبی زیان می‌رسانند.

هرگاه رک و صریح صحبت نمائیم وضعیت مالی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان قبل از کنگره دوم بهتر از وضعیت مالی حزب بعد از کنگره سوم بوده است. طوری که بیان گردید بعد از کنگره سوم حتی بسیاری از رفقا حق العضویت‌های شان را یا به نصف تقلیل داده اند و یا این که هیچ پرداخت نمی‌کنند.

پلنوم دوم کمیته مرکزی دوم دقیق توانسته انحراف ایدئولوژیک فساد مالی حزب را نشانی نماید. و مهم‌تر از همه گزارش سیاسی به کنگره دوم حزب تمام نقایص را بخوبی مشخص نموده و بعنوان خطوط متنافر آن‌ها را مورد انتقاد و نکوهش قرار داده است. این انحرافات ناشی از دو ضعفی است که در حزب ما وجود دارد: یکی سبک آموزش خود رفقا، و دوم ضعف رهبران در تربیه کادرهای لایق و شایسته و عدم تطبیق تیوری در پراتیک، طوری که در یک قسمت از فیصله‌های دومین پلنوم دوم کمیته مرکزی چنین صراحت یافته است:

«حزب ما از لحاظ مالی به پرداخت حق العضویت‌ها و سایر مکلفیت مالی اعضای حزب متکی است. بنابراین عدم پرداخت حق العضویت‌ها و سایر مکلفیت‌های مالی توسط اعضای حزب و یا پرداخت ناقص آن‌ها، حزب را به درجات مختلف در مضیقۀ مالی قرار می‌دهد و اجرای برنامه‌های مبارزاتی حزب را با مشکلات مواجه می‌سازند. به ویژه باید دقیقاً توجه داشت که طبق متن صریح اساسنامۀ حزب، پرداخت منظم حق العضویت یکی از شروط اولیۀ عضویت هر فرد در حزب است و عدم پرداخت آن، یا پرداخت ناکافی و غیر منظم آن، شرط اولیۀ مذکور را به درجات مختلف خدشه دار می‌سازد و به انضباط حزبی زیان می‌رساند.» (پلنوم دوم کمیته مرکزی دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان)

برین مبنا این پلنوم چنین فیصله نمود: دفتر سیاسی، کمیته مرکزی، کمیته‌های منطقه‌یی و پایه‌یی حزبی و کمیته‌های هواداران حزب در خارج از کشور، مکلفیت دارند تا حق العضویت‌ها و سایر مکلفیت‌های مالی حزبی اعضای حزب در مناطق مربوطۀ شان را بطور منظم و به وقت معینه جمع آوری نمایند و صورت حساب آن را در گزارشات دو ماهه‌شان به کمیته مالی مرکزی حزب ارائه کنند. این کمیته‌ها مکلفیت دارند تا نصف عواید مالی واحدهای منطقه‌یی و پایه‌یی حزبی را به کمیته مالی مرکزی ارسال نمایند.

عدم پرداخت حق العضویت‌ها و سایر مکلفیت‌های مالی توسط اعضای

مبارزات قاطع و در عین حال سازنده خطی درونی و راه باز کردن وسیع برای انتقادات درون حزبی اصولی و سالم در تمامی سطوح تشکیلات حزب.»

این موضوع باید در دفتر سیاسی، کمیته مرکزی و کمیته‌های منطقه‌ای مورد بحث قرار گیرند. و از این طریق به مبارزات دامن زده شود. دامن زدن به مبارزات به معنای آموزش درست دیالکتیک ماتریالیستی است.

رفقا ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که محیط روی ما اثر نمی‌گذارد. یا به عبارت دیگر حزب و خود را از محیطی که در آن زندگی می‌کنیم جدا بدانیم. ما نمی‌توانیم ادعا کنیم هر کسی به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به پیوند صد درصد مارکسیست - لنینیست - مائوئیست است. تجارب بیست و یک سالۀ حزب این را به خوبی نشان داده است.

این طور نیست که هر کسی به محض این که به عرصه کمونیزم پا گذاشت باید صد در صد مارکسیست باشد. در هر حزب کمونیست در واقعیت، طیف گوناگون از مارکسیست - لنینیست - مائوئیست‌ها وجود دارند. هم در حزب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست‌های - ۱۰۰ در صد وجود دارد، و هم مارکسیست - لنینیست - مائوئیست‌های - ۱۰ یا ۲۰ درصد. به همین گونه افکار و نظرات گوناگونی در هر حزب کمونیست تبارز می‌کند. وظیفه انقلابیون مائوئیست است که در درون حزب علیه نظرات نادرست بایستند و مبارزه کنند.

بناءً جو حاکم روی بسیاری رفقای ما اثرات خود را بر جا می‌گذارد. هرگاه به آن با جدیت مبارزه صورت نگیرد و مورد انتقاد واقع نشود بخواهی نخواهی افکار غیر مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی جای اصولیت را خواهد گرفت. برای این که بتوانیم نظم حزبی را برقرار نمائیم، باید ابتدا از لحاظ ایدئولوژیک در درون حزب نظم برقرار شود. این کار ممکن نیست مگر از طریق راه اندازی یک مبارزه جدی درون حزبی.

بدین صورت، پلنوم پنجم یکبار دیگر بر سانترالیزم دموکراتیک که در آن سانترالیزم عمده است تأکید ورزید و رفقا را به راه اندازی یک مبارزه جدی درون حزبی بخاطر جلوگیری از نقض انضباطات حزبی تشویق و ترغیب نمود.

۴. مسائل مالی در پیوند نقض انضباط

حزبی و پاسیفیزم:

کنگره دوم و سوم کمیته مرکزی حزب گرچه عدم پرداخت حق العضویت‌ها و یا پرداخت غیر منظم و ناکافی حق العضویت‌ها را بعنوان فساد مالی نشانی نموده و مورد نکوهش قرار داده بود، با آن هم بعد از سپری شدن هر دو کنگره این مشکل نه تنها پا بر جا ماند، بل که تعدادی از رفقا حق العضویت‌های شان را نسبت به قبل از کنگره سوم تقلیل دادند و یا این که هیچ نپرداختند. این برخورد رفقا در حزب در حقیقت امر نقض آشکار اصل آئین‌نامه تشکیلاتی و توصیه‌های

حزب یا پرداخت ناقص و غیر منظم آن نشانه‌ای از فساد مالی حزب بشمار می‌رود. به عقیده ما این فساد مالی در اساس ناشی از ضعف ایدئولوژیک - سیاسی است و باید علیه آن در عرصه ایدئولوژیک - سیاسی به مبارزه پرداخت.

۵. در مورد مبارزه برای ایجاد هم‌آهنگی و اتحاد میان منسوبین جریان دموکراتیک نوین افغانستان

در اخیر پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی یکی از رفقا از دید و باز دید با دو گروه از رفقای منسوب به جریان دموکراتیک نوین و علاقه مندی این رفقا به وحدت میان منسوبین جریان دموکراتیک نوین گزارش داد. رفقا با علاقه مندی تمام از این حرکت رفقا استقبال نموده و بعد از جر و بحث‌های زیاد به این فیصله رسیدند که وحدت سراسری میان نیروها و شخصیت‌های مائوئیست و انقلابی ملی - دموکرات یک مسئولیت عاجل مبارزاتی در شرایط کنونی است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که با تعمیق و گسترش مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی به خاطر تأمین وحدت میان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و مائوئیست‌های بیرون از حزب و آغاز همکاری‌های عملی مبارزاتی میان آن‌ها هرچه جدی تر و عمیق تر به پیش برده شود.

به قدرت رساندن دوباره طالبان یکی از اجزای اصلی استراتژی جدید امپریالیست‌ها به سرمداری امپریالیست‌های اشغالگر امریکایی در افغانستان را تشکیل می‌دهد. امپریالیزم امریکا به خوبی می‌داند که طالبان نیروهای امتحان داده‌ای در افغانستان هستند که نتایج فاجعه بار حاکمیت‌های ارتجاعی شان، مردمان ما را تا مغز استخوان سوزانده است و قسماً هم اکنون نیز می‌سوزاند. ایدئولوژی و برنامه سیاسی به شدت ارتجاعی، شوونیستی، جاهلانه و استبدادی آن‌ها خود بخود زمینه‌های مناسب فریبکارانه برای عادلانه جلوه دادن طرحات ظالمانه و استعمارگرانه شان را فراهم می‌سازد. زن ستیزی مشمئز کننده، محدودیت اجتماعی و ملیتی طالبان ذاتی و غیرقابل التیام است. این وضعیت امیدواری امپریالیزم امریکا را برای انقیاد قطعی و درازمدت بر مردمان ما را بیشتر می‌سازد.

با توجه به این مسائل، برای برپایی و پیشبرد یک مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی سرتاسری، بر محور مقاومت مسلحانه و به بیان روشن تر جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی، علیه امارت اسلامی طالبان و حامیان اشغالگر امپریالیست شان، نه تنها از لحاظ پیوند دادن مقاومت ضد طالبانی و حامیان اشغال گر شان با انقلاب اجتماعی مورد نیاز در افغانستان، یک ضرورت و الزام قطعی غیر قابل انصراف است، بلکه صرفاً خاتمه بخشیدن به انقیاد مستعمراتی و حصول استقلال سیاسی افغانستان نیز بدون برپایی و پیشبرد چنین مقاومتی یک امر ناممکن به نظر می‌رسد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با درک عمیق ضرورت و الزام

قطعی غیر قابل انصراف مبارزاتی فوق الذکر، نه تنها برای اجرا و پیشبرد تمامی وظایف و مسئولیت‌های ایدئولوژیک - سیاسی، تشکیلاتی خود درین راستا تلاش پیگیر می‌نماید، بلکه خود را مکلف می‌داند که بخاطر تأمین هم‌آهنگی مبارزاتی مقاومت طلبانه میان تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی مائوئیست و ملی - دموکرات مخالف امارت اسلامی طالبان و حامیان اشغال گر امپریالیست شان نیز از هیچ سعی و تلاشی دریغ ننماید.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان اعتقاد راسخ دارد که تلاش برای ایجاد این چنین هم‌آهنگی مبارزاتی میان این نیروها و شخصیت‌ها، به خاطر حل و فصل تفاوت‌ها و اختلافات و یا لاقط ایجاد تفاهم میان شان زدن تیشه بر ریشه سکتاریزم خواهد بود، و باید این مبارزه را هرچه قاطعانه تر به پیش بریم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خود را مکلف می‌داند که برای اجرا و پیشبرد این مسئولیت‌های عاجل و درازمدت مبارزاتی، از هیچ تلاش و کوششی دریغ ننماید، و سائر نیروها و شخصیت‌های انقلابی مائوئیست و ملی - دموکرات را نیز در جهت راه اندازی عملی چنین تلاش و کوششی فرا می‌خواند.

در فصل اول برنامه عمومی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مصوب سومین کنگره سراسری حزب (۲۵ حمل ۱۴۰۰) در بخش خصلت طبقاتی حزب چنین گفته شده است:

«درفش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان درفش وحدت‌دهنده تمامی مائوئیست‌های کشور است. آن‌ها فقط در زیر همین درفش می‌توانند وظایف و مسئولیت‌های مبارزاتی دموکراتیک نوین و کمونیستی و به طور اخص وظایف و مسئولیت‌های کنونی در قبال مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی را به نحو اصولی و شایسته ادا نمایند.»

پس از تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی م ل م افغانستان و تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در آن، حزب پروسه وحدت دیگری میان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و مائوئیست‌های بیرون از حزب را طرح و اجرا نکرده است، بل که از وحدت مائوئیست‌های بیرون از حزب با حزب صحبت می‌نماید.

پروسه وحدت راه افتاده در اواخر دهه شصت خورشیدی در نهایت منجر به وحدت میان «هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان»، «کمیته تبلیغ و ترویج م ل م افغانستان» و «املا- بخش مائوتسه دون اندیشه» در سال ۱۳۷۰ در «حزب کمونیست افغانستان» گردید. سپس پروسه وحدت به راه افتاده در سال ۱۳۸۰ خورشیدی تا سال ۱۳۸۳ خورشیدی دوام نمود و در نهایت منجر به تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی م ل م افغانستان، تأمین وحدت میان «حزب کمونیست افغانستان»، «سازمان پیکار برای نجات افغانستان» و «اتحاد انقلابی کارگران افغانستان» و تشکیل «حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان» گردید.

بدین ترتیب با تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، پروسه

وحدت میان نیروهای مارکسیست-لنینیست-مائوئیست کشور اساساً به پایان رسید و پس از آن حزب، پروسه وحدت دیگری میان «حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان» و مائوئیست‌های بیرون از حزب را طرح و اجرا نکرده، بل که موضوع وحدت مائوئیست‌های بیرون از حزب با حزب را عنوان کرده است.

زیرا با تدویر کنگره وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) کشور و تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در آن، همان‌طوری که قبلاً گفتیم، در واقع پروسه وحدت میان نیروهای مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی کشور به پایان رسید و این موضوع نه تنها در گزارش پایانی کنگره وحدت بلکه در گزارش ارائه شده به خود آن کنگره نیز مطرح گردید.

در واقع پروسه وحدت در جریان پیش‌رفت خود به دو بخش تقسیم شد و یک مبارزه دو خط را از سر گذراند. بخش اصولی و اکثریت قریب به اتفاق، که طرفدار اصولی و پابرجای پروسه وحدت بود، آن را تا آخر پیش برد و در تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سهم گرفت. اما بخش اقلیت سکتاریست و بسیار کوچک، که طرفدار اصولی و پابرجای پروسه وحدت نبود، بلکه در اصل- بنا به دلایل مختلف غیر اصولی- مخالف آن بود. به همین جهت مشمولین محدود و معدود آن یا نخواستند یا نتوانستند با جریان پیش‌رفت پروسه وحدت هم‌گام باقی بمانند. آن‌ها در مراحل مختلف پروسه وحدت از پروسه خارج شدند و نخواستند یا نتوانستند در تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سهم بگیرند.

سکتاریزم قوی و نیرومند آن‌ها حتی به آن‌ها اجازه نداد که در بین خودشان نیز هم‌گامی و هم‌نوایی نیرومند ایجاد کنند و به طرف تأمین وحدت در میان شان پیش بروند. بدتر از آن، محفل معدود و محدودی که خود را «کمیته وحدت جنبش کمونیستی م ل م افغانستان» می‌نامید، آن قدر از لحاظ سیاسی سقوط کرد که در یک اعلامیه علناً منتشر شده، نام چند کادر ارشد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را افشا نمود. حزب این حرکت را در یک جلسه رویاروی با فرد اصلی نویسنده این اعلامیه محکوم نموده و خواهان توضیح در مورد این مسئله گردید. اما طرف مقابل که هیچ چیزی برای گفتن و جواب دادن نداشت فقط با خجالت سکوت نمود و صرفاً چندین بار از رفیق حزبی معذرت‌خواهی نمود.

در سطح دیگری از حرکت‌های سکتاریستی، بخش دیگری از این سکتاریست‌ها، شامل دو محفل و یک فرد («مائوئیست‌های افغانستان»، «سازمان کارگران افغانستان»- که چند سال بعد از تشکیل «حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان» تا حد زیادی با جدایی از «سازمان رهایی افغانستان» برآمد نمود- و «پولاد» به عنوان یک شخص منفرد)، به جای این‌که برای تأمین وحدت کمونیستی در میان شان

تلاش نمایند یک تجمع اسمی بی‌مسما به نام «ائتلاف نیروهای مائوئیست افغانستان» را به بهانه مبارزه علیه تسلیم‌طلبی‌های «ساما» و «سازمان رهایی...» اعلام نمودند. این «ائتلاف» در مقابل بحث درونی ای که درین مورد حزب با آن‌ها به راه انداخت تاب مقاومت نیاورد و فروپاشید.

اکنون از مدت چند سال به این طرف مجموع این محفل‌ها در واقع غیر فعال هستند و هیچ گونه علایم حیاتی سیاسی از خود نشان نمی‌دهند. در مقام مقایسه میان این محفل‌های غیر فعال و «پولاد»، به عنوان یک شخص منفرد، باید گفت که وی حداقل در سطح انتشار چند اعلامیه و نوشته بی‌فایده در سال، حداقل به عنوان یک شخص کم‌وبیش فعال باقی مانده است. بنابراین حکم اساس‌نامه حزب در مورد تمامی آن‌ها درستی و حقانیت خود را در عمل ثابت ساخته است.

بدین اساس پلنوم پنجم به اتفاق آراء فیصله نمود که نیاز عاجل مبارزاتی و ضرورت‌های انصراف‌ناپذیر کنونی برای تأمین وحدت اصولی تمامی مائوئیست‌های کشور در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به خاطر پاسخ‌گویی مناسب و بر وقت به چالش‌های مبارزاتی اساسی به طور کل از همه ما می‌طلبد که با طرد هر نوع سکتاریزم به منافع عمومی جنبش مائوئیستی و منافع علیای کشور و مردم کشور در شرایط کنونی توجه ویژه نموده و در مسیر وحدت و یکپارچگی کل جنبش حرکت نماییم.

کمیته مرکزی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۰ اسد ۱۴۰۴ خورشیدی

۱۱ آگوست ۲۰۲۵ م.

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || Sholajawid2@hotmail.com

پیام حمایت کمیته هفتم قوس

از پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

درود سرخ تقدیم بر تمام رفقای کمیته مرکزی، اعضا و هواداران حزب

رفقا

این فیصله‌ها نه تنها بیانگر پاسخ علمی و اصولی به مشکلات درونی حزب است، بلکه چراغ راه آینده انقلاب افغانستان و پرچم مبارزات رهایی‌بخش توده‌های ستم‌دیده کشور ماست. ما خود را متعهد می‌دانیم که در کنار رفقای حزب، این رهنمودها را به پراتیک انقلابی بدل کنیم و تا پیروزی نهایی خلق‌های افغانستان علیه استبداد و استعمار، از پای ننشینیم.

زنده باد مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم!

زنده باد وحدت انقلابی!

پیش به سوی تدارک و برپایی جنگ خلق و آزادی توده‌ها!

کمیته منطقوی هفتم قوس

۱۴ سنبله ۱۴۰۴ هـ.ش

ما فیصله‌ها و رهنمودهای پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را با تمام توان و قاطعیت مورد حمایت قرار می‌دهیم. تدویر موفقانه پلنوم و فیصله‌ها بازتاب‌دهنده ضرورت‌های عاجل جنبش انقلابی در کشور ماست و راه را برای استحکام ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی حزب هموار می‌سازد.

پلنوم پنجم با شجاعت تمام پدیده پاسیفیزم، بی‌انضباطی و روحیه انتقاد و انتقاد از خود و سازش‌کارانه را به‌عنوان آفات درونی برملا ساخته و بر ضرورت آموزش عمیق مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، رعایت دقیق سانترالیزم دموکراتیک و گسترش تشکیلات به میان توده‌های روستایی تأکید ورزیده است. ما این نکات را به‌عنوان ابزارهای اساسی در راه مقابله با انحرافات و نواقص حزبی می‌دانیم و از آن استقبال می‌کنیم.

هم‌چنان، ما طبق رهنمود کمیته مرکزی، بر اهمیت وحدت و هم‌آهنگی نیروهای مائوئیست و انقلابی در سطح ملی پای می‌فشاریم. تنها از طریق ایجاد یک جبهه واحد انقلابی می‌توان در برابر امارت اسلامی طالبان و حامیان امپریالیستی آن، به‌ویژه امپریالیسم امریکا، مقاومت قاطع و پیروزمندانه را سازمان داد.

پیام حمایت قاطع کمیته روابط بین‌المللی حزب

از فیصله‌های به عمل آمده در پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی!

به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان !

رفقای عزیز درودهای سرخ و انقلابی ما نثار تان باد !

انضباط حزبی و توجه به مسائل مالی گردیده است؛ به‌شکل ویژه‌ای علم می‌گردد.

۱- پاسیفیزم و جنگ خلق :-

در چارچوب مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی، پاسیفیزم به‌عنوان یک گرایش بورژوازی و سازشکارانه و به شکل بیرحمانه‌ای باید مورد نقد همه جانبه قرار گیرد. ازین خاطر ما بعنوان کسانی که در دامان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پرورش یافته‌ایم این تعهد را تجدید می‌کنیم که از هرگونه سازش و پاسیفیزم دوری بجوئیم. زیرا از نظر ما پاسیفیزم تناقض درونی است و نمیتواند منجر به سرنگونی نظام مسلط امارت اسلامی گردد، بلکه باید این نظام بر مبنای استراتژی جنگ طویل مدت خلق از طریق قهر انقلابی در خدمت اهداف سیاسی و توده‌ای، به پیش برده شده و نهایت امر به سرنگونی آن منجر گردد.

از نظر ما افراد و اعضای که گرایش پاسیفیستی درون حزبی دارند، باید شناسائی شده یا باید قانع گردند و یا درجهت تجدید تربیت خود

کمیته روابط بین‌المللی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، تدویر موفقانه پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب را خدمت تک تک رفقای عزیز (داخل و خارج) از کشور تبریک و تهنیت عرض می‌دارد.

رفقا !

فیصله‌های به عمل آمده پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی، از نظر ما کاملاً حائز اهمیت است که تک تک رفقای ما باید بدان توجه ویژه داشته باشند. ضمن حمایت قاطع ازین فیصله‌ها ما نیز میخواهیم نظریات خویش را بسیار کوتاه به عرض برسانیم:

وقتی یک حزب سیاسی استراتژی جنگ خلق (People's War) را بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم به‌عنوان خط اصلی مبارزه می‌پذیرد، کل ساختار سیاسی، تشکیلاتی و ایدئولوژیک آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در این حالت سه موضوعی که درج فیصله‌های پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب، یعنی زدودن پاسیفیزم، برقراری

بکوشند تا بتوانیم با شادابی انقلابی فردای مان را درخشان تر از حال نماییم.

۲- انضباط حزبی:-

در استراتژی جنگ خلق، انضباط حزبی یکی از اساسات مهم و اصل مائوئیستی سانترالیزم دموکراتیک است که باید بسیار سخت گیرانه مورد اجراء قرار بگیرد. وقتی تصمیمی اتخاذ میشود همه به اجرا و تطبیق آن تصامیم مکلف هستیم. تخطی از انضباط جایز نیست و در صورت بوجود آمدن شرایط جنگی، عدم انضباط حزبی میتواند کل جنبش را به خطر مواجه سازد. از لحاظ تاکتیکی در واحدهای مسلح (گروه‌های چریکی یا ارتش خلق) انضباط شبیه ارتش است: اطاعت بی قید و شرط از فرماندهی، البته همراه با آموزش سیاسی دائم شرط اساسی انضباط حزبی را رقم میزند و ما متعهد به اجرای دقیق فیصله های به عمل آمده پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی در قسمت رعایت هرچه جدی تر انضباط حزبی هستیم.

۳- مسائل مالی:-

چون جنگ خلق معمولاً با دولت حاکم در تضاد است، حزب نمی تواند به طور علنی کمک های مالی جمع کند. ازین رو بر علاوه اینکه خود را مکلف به اجرای آن میدانیم، باید به عرض برسانیم که عدم اجرا یا اجرای ناقص آن نیز به تایید فیصله های پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی منجر به فروپاشی اعتماد تشکیلاتی خواهد شد و ما نباید به خود اجازه چنین کاری را بدهیم.

پیام تبریکی !

به دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان!

روشن است کار بسیار دشواری می باشد ولی با آن هم رفقای مبارزمان توانستند این محفل را به گونه بسیار موفقانه در شرایط اختناق جامعه، برگزار کنند.

کمیته هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان - واحد اروپا این موفقیت بزرگ را برای همه رفقای دفتر سیاسی، کمیته مرکزی، واحدهای منطقوی و اعضاء و هواداران حزب تبریک و تهنیت گفته موفقیت های روز افزون را برای تک تک رفقا در سطح داخل و خارج آرزو مینماید و همچنان خود را مصمم میداند تا دوشادوش رفقای همزم و مبارز خویش استوار ایستاده و به مبارزه خستگی ناپذیر خویش ادامه دهد و از هیچ نوع کمک و فداکاری دریغ نخواهند کرد.

امیدواریم که بتوانیم با قاطعیت تمام، با تکیه بر اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و با اجراء فیصله های به عمل آمده پنجمین پلنوم کمیته مرکزی تحت رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای سرنگونی رژیم خودکامه امارت طالبانی و حامیان اشغالگر بین المللی شان با برپایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی، کمر همت بسته، از هیچ نوع جانفشانی دریغ نورزیده و خود را مصمم به این مبارزه و حمایت بی دریغ این مبارزه دانسته تا باشد کشور و مردمان رنج دیده کشور خویش را از زیر یوغ امارت اسلامی طالبان که برای بار دوم به اریکه

دورودهای گرم نثار تک تک رفقای که در محفل پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردهم جمع آمده اند.

کمیته هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان - واحد اروپا بسیار خوشحال و خرسند است که پنجمین دور پلنوم کمیته مرکزی را در شرایط بسیار بد امنیتی و اقتصادی در سطح کشور موفقانه برگزار کرده اند.

این کمیته خود را مصمم میداند تا دوشادوش دیگر رفقای همزم خویش برای آزادی کشور و مردمان کشور از زیر سلطه قرون وسطی بی ترین رژیم مستبد امارت طالبانی و حامیان اشغالگر بین المللی شان، از هیچ نوع مبارزه ای دریغ نورزد و با قاطعیت طبق فیصله های به عمل آمده پنجمین پلنوم کمیته مرکزی به پیش رود.

ما امروز بسیار خوشحال هستیم که رفقای کمیته مرکزی مان توانستند در کنار هم این محفل با شکوه را دایر و بطور موفقانه ختم نمایند.

تدویر چنین محفل با شکوه و قدرتمندانه در سطح کشور از آنجائی که شرایط بد امنیتی تحت سلطه طالبان برای همه مان

قدرت با حمایت کامل امپریالیزم غرب تکیه زده اند، رهایی بخشیم و بساط این رژیم قرون وسطی بی و متحجر طالبانی را برچیده و دولت جدید دموکراتیک نوین برای مردمان سلحشور و آزادیخواه سرزمین مان به ارمغان آوریم.

دولت دموکراتیک نوین خلق را بنیاد نهیم تا دیگر مردمان ما شاهد ظلم و استبداد، رنج و مشقت نبوده و بطور آزادانه و مساویانه بتوانند از تمامی حقوق و امتیازات خویش بهره مند گردند و زندگی شان را دوشادوش هم در پیوند تنگاتنگ هم تحت رهبری حزب پیشاهنگ شان به پیش روند.

کمیته هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان - واحد اروپا تدویر موفقانه پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب را در اخیر باز هم به تمام رفقا مبارکباد گفته و آرزوی صحتمندی و سلامتی برای تمامی اعضای رهبری حزب و واحدهای منطقه‌ای خویش در داخل و خارج نموده و دستان تک تک شما را به گرمی می فشارد.

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
پیش بسوی تدارک و برپایی جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی

پیش بسوی برچیدن دولت دست نشانده امارت اسلامی افغانستان

کمیته هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

واحد اروپا

۱۱ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی

۱۷ سنبله ۱۴۰۴ خورشیدی

پیام حمایت

پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مبارک!

درود خدمت تمام رفقای کمیته مرکزی!

برگزاری موفقانه پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را برای شما شادباش میگویم. مطالب مندرج پلنوم کمیته مرکزی حزب را مطالعه نمودیم و نکات بسیار مهمی را ایراد فرموده اید. قابل یادآوری است که از تمام فیصله های به عمل آمده حمایت خود را اعلام میداریم.

امیدوارم که مردم زجر کشیده افغانستان از چنگال خونین دژ بنیادگرایی ملاحاهی طالبی توسط نیروهای جانفدای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نجات یابند و درین راستا گام های موثر تک تک رفقا را آرزومندیم.

زنده باد آزادی

مرگ بر دشمنان مردم افغانستان

داکتر طه و جمعی از دوستان

مقیم میلان - ایتالیا

7 نوامبر 2025 م.

در حمایت از فیصله های پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب!

بمانند. اما هیچ معجزه ای در کار نیست. مغاره نشینان بامیان تنها یک «پدیده اجتماعی» یا «فقر محلی» نیستند؛ بلکه تصویر زنده یک ساختار ظالمانه طبقاتی-ملی هستند که در طی قرن ها بر مردم زحمت کش افغانستان تحمیل شده است. این وضعیت نتیجه «بدشانسی» یا «کم کاری افراد» نیست، بلکه محصول شیوه تولید عقب مانده، مناسبات فیودالی، ستم امارت طالبانی، و نفوذ امپریالیزم است. درک این وضعیت بدون جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی ممکن نیست.

بامیان یکی از مناطقی است که ساکنان آن در طی قرن ها تحت سلطه اربابان محلی، قوماندان های جنگی، دولت های مرکزگرا، شبکه های تجارتي-کمپرادور، قرار داشته اند.

در چنین ساختاری، دهقانان از مالکیت زمین محروم بوده اند، برای زنده ماندن مجبور به کوچ، بیگاری و کارگری شده اند، هر نسل فقیرتر از نسل قبل تحویل داده شده است، این همان چیزی است که مارکسیزم آن را انباشت فقر در حاشیه جامعه می نامد.

مغاره نشینان بامیان عموماً از میان مردم کارگر و دهقان هزاره اند.

رفقای عزیز و گرامی!

پس از درود و سلام خدمت تک تک شما عزیزان

باید به عرض برسائیم که فیصله های پنجمین پلنوم کمی دیرتر به دسترس ما قرار گرفت و دلیل آن بیشتر مشکلات تکنیکی و مسیر صعب العبوری است که مانع دسترسی ما به شبکات مخابراتی و اینترنتی میشود. ما هنوز در کوه دامنه های مغاره نشین بامیان هستیم.

اینجا صدای فقر و بی نوایی با حضور مستقیم طالبان بنیادگرا بیداد میکند. اینجا فقر از سر و صورت مردم ما می بارد. ظلم و تعدی و تبعیضات ملیتی در کنار تبعیضات جنسیتی دمار از روزگار مردم ملیت هزاره در آورده است. درکنار آن شیعیان اینجا فرصت نفس کشیدن بخاطر تحجر طالبان ندارند. دهه محرم اینجا کسی جرات نداشت در سرکها گشت و گذار کند، تکیه خانه ها محدود گشته بود و صدای رجزخوانی آخندهای متحجر شیعه نیز در گلو خفه شده بود. خفه شده بود به دلیل تحجر حاکم طالبانی.

مغاره نشینان منتظر معجزه ای هستند تا ازین گلوگاه چند صبائی زنده

طبقاتی و تبعیضی است. به زبان مائو: «فقر مردم نه از طبیعت، بلکه از طبقه حاکم سرچشمه می گیرد.»

مغاره‌ها نشان دهنده شکست تاریخی فیودالیزم، خیانت بورژوازی کمپرادور، فساد دولت‌های "خلقی" - دموکراتیک قلابی، سلطه امپریالیزم هستند.

این مردم حامل درد ۵۰۰۰ سال ظلم‌اند و هر جا که درد شدید باشد، انفجار انقلابی محتمل‌تر است.

به زبان مائو: «جایی که ظلم بیش از حد باشد، مقاومت ناگزیر است.»

مغاره‌ها ممکن است تنگ، تاریک و فقیرانه باشند، اما ذهن و اراده انقلابی زحمت‌کشان هیچ‌گاه محدود نمی‌شود.

هر جا ستم است، مقاومت نیز هست!

امیدواریم بتوانیم از این مغاره‌های بامیان صدای واحدی را بیرون دهیم تا بتوانیم حداقل هسته واحد پایه‌ای را درین جا دوباره احیاء بسازیم و درین تپ و تلاش بوده و خواهیم بود.

با تکیه بر فیصله‌های پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ما متعهد تر از قبل نه تنها حمایت بلکه با قاطعیت کوشش خواهیم کرد آنرا به مرحله اجراء بگذاریم.

با درودهای رفیقانه!

ظاهر و جمعی از دوستان

بامیان

۱۶ عقرب ۱۴۰۴ ه.ش

موقعیت حاشیه‌ای آن‌ها فقط «طبقاتی» نیست، بلکه ستم قومی، تبعیض سیاسی، بی‌قدرتی تاریخی، بی‌دولتی ساختاری، نیز در آن نقش دارد. در نظام‌های پادشاهی ظاهرخانی، جمهوری داودخانی، رژیم رویونیست جنایتکار "خلقی" و پرچمی و جمهوری کرزی - غنی، همیشه مناطق مرکزی: کم‌ترین سرمایه‌گذاری، کم‌ترین زیرساخت، بیش‌ترین بیکاری، بیش‌ترین محرومیت از زمین، را داشته‌اند. این دقیقاً همان چیزی است که لنین آن را ستم ملی در چهارچوب دولت‌های چندقومی طبقاتی تعریف می‌کند.

امپریالیزم (آمریکا، ناتو، بانک جهانی) بعد از ۲۰۰۱ میلیارد دالر به افغانستان سرازیر کرد؛ اما پول‌ها توسط کمپرادورها، ان‌جی‌اوها و سرمایه‌داران وابسته خورده شد. مناطق فقیرنشین بامیان هیچ سهمی از توسعه واقعی نگرفتند. پروژه‌های ساختاری (صنعت، آبیاری، کشاورزی مدرن) عمداً انجام نشد. فقر بومی حفظ شد تا مردم «وابسته و مطیع» بمانند. مغاره‌نشینی نتیجه همین اقتصاد استعماری - پیرامونی است و کشور کماکان یک کشور مستعمره - نیمه فئودال باقی ماند.

مغاره‌نشینان بامیان سه بخش عمده‌اند:

الف) پرولتاریای نیمه پرولتاریزه کسانی که: نه زمین دارند، نه شغل ثابت، نه مسکن و در زمستان بیکار و در تابستان کارگر روزمزد هستند این‌ها همان نیروی انقلابی بالقوه‌اند.

ب) دهقانان فقیر و بی‌زمین: این طبقه ستون اصلی هر انقلاب دموکراتیک نوین است.

ج) زنان و کودکان فقیر: زنان در مغاره‌ها بیش از همه از بی‌سوادی، سوء تغذیه، کار اجباری، خشونت اقتصادی رنج می‌برند و ظرفیت عظیم انقلابی دارند.

پسماندگی مردم بامیان طبیعی نیست؛ ساخته شده سیاست‌های

پیام حمایت کمیته منطقوی سیزده میزان

از فیصله‌های به عمل آمده در پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی!

به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان!

رفقای عزیز درودهای سرخ و انقلابی ما نثار تان باد!

و طبقاتی و مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی به وجه احسن به پیش برده است.

کمیته منطقوی ۱۳ میزان فیصله‌های به عمل آمده پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی حزب را مطالعه نموده و فیصله‌ها را اصولی، درست و به موقع حمایت نموده و با قاطعیت از فیصله‌های پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی حزب حمایت نموده و امیدواریم بتوانیم طبق فیصله‌ها و رهنمودهای رفقای کمیته مرکزی حرکت نموده و در جهت استحکام و گسترش حزب و تطبیق اصولی و خلاقانه استراتژی مبارزاتی و تاکتیک‌های مبارزاتی حزب گام‌های هرچه موثر تر به پیش برداریم.

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

کمیته منطقوی ۱۳ میزان

۲۲ سنبله ۱۴۰۴ خورشیدی

کمیته منطقوی ۱۳ میزان تدویر موفقانه پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب را خدمت تک تک رفقای عزیز (داخل و خارج) از کشور تبریک و تهنیت عرض می‌دارد.

رفقا!

جای بس مسرت و خوشحالی است که در شرایط خفقان‌آوری که امارت اسلامی با بدترین حالت اختناق بر کشور چیره گشته، حزب ما توانسته است پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی را با موفقیت تدویر نموده و موفقانه اختتام بخشد.

به یقین کامل باید گفت که به خود می‌بالیم که حزب ما در طی حیات سیاسی خود هیچ‌گاه از خط و مشی اساسناموی عدول نکرده و مبارزاتش را طبق خط و مشی مطروحه در اساسنامه در مبارزه با انواع و اقسام اپورتونیزم، رویونیسم، انحلال طلبی، تسلیم طلبی‌های ملی

پیام تبریکی به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز پنجمین پلنوم کمیته مرکزی

رفقای عزیز و گرامی:-

برگزاری موفقانه‌ی پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به مقام محترم صدر کمیته مرکزی و اعضای گرانقدر کمیته مرکزی و سایر منسوبین و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و خلق های افغانستان تبریک و تهنیت می گوئیم.

در چنین شرایط اختناق حاکم طالبان مزدور امپریالیزم امریکا برگزاری موفقانه پلنوم پنجم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که در برج اسد ۱۴۰۴ شمسی تشکیل شده است، نشانه‌ای از اقتدار حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان می باشد.

کمیته منطقه‌ی واحد هواداران حزب در شهر مشهد - ایران با ابراز شادمانی آرزوی موفقیت هرچه بیشتر حزب را در تمام خطوط اساسی و تعیین شده آنرا دارد.

ما یقین کامل داریم که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و خلق ستمدیده کشور تحت رهبری صدر کمیته مرکزی و اعضای گرامی حزب به پیروزی‌هایی علیه انحلال طلبان رویزیونیستی داخلی و بین المللی و طالبان قرون وسطی این مزدوران امپریالیست‌های امریکایی، نائل خواهند آمد و خلق های افغانستان را

جهت مبارزه قهری از طریق برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) در کشور بر مبنای آنچه در اساسنامه و آئین نامه تشکیلاتی حزب تئوریزه گردیده است، علیه دشمنان افغانستان رهنمون خواهد نمود.

ما از راه دور دستان تک تک اعضای محترم حزب را به گرمی می فشاریم و خود را متعهد می دانیم تا مطابق فیصله های به عمل آمده در پنجمین پلنوم کمیته مرکزی دور سوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان حرکت نموده و فیصله ها را تطبیق نماییم.

مرگ بر امپریالیزم امریکا

مرگ بر طالبان مزدور و قرون وسطی

پیروز باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

کمیته منطقه‌ی واحد هواداران حزب در ایران

شهر مشهد

۵ سنبله ۱۴۰۴ شمسی

پیام حمایت از پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی

واحد هواداران حزب در آلمان

رفقای گرامی !

واحد هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در آلمان، برگزاری موفقانه پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی را تبریک گفته و پشتیبانی کامل خود را از تصمیمات و فیصله های به عمل آمده آن اعلام می دارد.

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان!

واحد هواداران حزب در آلمان

۲۶ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی

۴ میزان ۱۴۰۴ خورشیدی

پیام حمایت واحد منطوقی (۴۴)

با جان و دل از همه تصمیمات و تصویبات آن پیروی می‌نماید. برای تطبیق آن از هیچ نوع فداکاری دریغ نمی‌ورزد.

در برهه خطرناک تاریخ این سرزمین که امپریالیزم خون آشام، تسلط خود را توسط ارتجاعی‌ترین گروه بر مردم ستم‌دیده این خطه استحکام بخشیده است، تنها راه نجات مردم ستم‌دیده افغانستان و هدف عمده، مبارزه بر علیه نظام فرسوده ارتجاعی طالبی و داعشی که نماینده و مزدوران امپریالیزم اند، می‌باشد. این مبارزه بر اساس مشی روشن و علمی تنها حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحقق بخشیده می‌شود.

ما بر آنیم که پرچم آزادی خواهی را با انسانی‌ترین مبارزه در روستاها و شهرهای افغانستان به اهتزاز در آوریم و از این امر در هیچ زمانی دریغ نمی‌ورزیم.

درودهای انقلابی و رفیقانه

کمیته واحد منطوقی شماره ۴۴

۸ عقرب ۱۴۰۴ خورشیدی

تصویب و فیصله های پنجمین پولینوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را حمایت می‌نماییم!

افتخار می‌نماییم، در مسیری قرار داریم که پیش‌آهنگ انسانی‌ترین تفکر و مبارزه انسانی هستیم.

خلق افغانستان، در برهه‌ای از تاریک‌ترین مرحله زندگی اجتماعی قرار دارند. ظلمت و تاریکی در هر وجب از خاک‌شان سایه افکنده است. مجال نفس کشیدن برای توده‌های زحمتکش و ستم‌دیده‌ی این سرزمین به سختی میسر است. توان و توش زندگی، همچنان یاری بازتاب همان وضعیت فلاکت‌بار زندگی اجتماعی است که جز بدبختی و سیه‌روزی برای این مردم چیزی دیگر نیست. تاریخ هم‌چنان تکرار می‌شود و مردم زحمتکش این سرزمین، به زنجیر اسارت و بردگی به سر می‌برند. چه افتخار است که حزب پیشرو، برای برداشتن بدبختی این مردم ستمکش همچنان جاری است و درفش آزادی خواهی و آزادی را به اهتزاز در می‌آورد.

کمیته واحد منطوقی شماره ۴۴ تصویب فیصله‌های پنجمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را حمایت نموده و



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



سیزدهم میزان روز بنیان‌گذاری

جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان گرامی باد !

آزادی در افغانستان طنین‌انداز شد. ۱۳ میزان ۱۳۴۴ تنها یک تاریخ در تقویم نیست، بلکه روز زایش سازمان جوانان مترقی و آغازگر راه جنبش دموکراتیک نوین افغانستان و روز بنیان‌گذاری جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان است. امروز ما با یادآوری آن روز، بار دیگر پیمان خود را با آرمان‌های عدالت، آزادی و دموکراسی تازه می‌کنیم.

سیزدهم میزان، نماد بیداری و آغاز راهی نو در افغانستان است و امروز ما آن را به عنوان میراثی زنده و الهام‌بخش گرامی می‌داریم. با فرارسیدن این روز، جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی کشور (۶۰) ساله گردید. در دوران این شصت سال

شصت سال پیش از امروز سیزدهم میزان، در تاریخ معاصر افغانستان نقطه عطفی جاودانه آفرید. در این روز (۱۳ میزان ۱۳۴۴) جنبش مائوئیستی افغانستان پا به عرصه وجود گذاشت و رفیق اکرم یاری و یاران هم‌فکرش با الهام‌گیری از انقلاب کبیر فرهنگی چین تحت رهبری صدر مائوتسه دون بنیان سازمان جوانان مترقی را گذاشتند؛ سنگ بنایی که آغازگر جنبش دموکراتیک نوین افغانستان (شعله جاوید) گردید. امروز، شصت سال بعد، ما این روز پرافتخار را به یادآوری و گرامیداشت می‌نشینیم.

شصت سال از روزی می‌گذرد که فریاد عدالت‌خواهی و آرمان

جنبش مائوئیستی کشور حیات مبارزاتی پر فراز و نشیبی را سپری نموده است.

سازمان جوانان مترقی زمانی بنیان گذاری گردید که مبارزات حزب کمونیست چین تحت رهبری صدر مائوتسه دون علیه رویونیسم مدرن خروشچی به طور علنی به راه افتاده بود. سازمان جوانان مترقی با الهام گیری از انقلاب کبیر فرهنگی و مبارزات حزب کمونیست چین علیه رویونیسم مدرن خروشچی در تقابل با رویونیسم خروشچی و دار و دسته «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» که در پیوند تنگاتنگ با رویونیسم خروشچی قرار داشت، در صف مقدم مبارزاتی قرار گرفت. بدین خاطر ما این روز را به عنوان روز بنیان گذاری جنبش مائوئیستی افغانستان تجلیل می کنیم.

حزب ما وظیفه انقلابی خود میداند که ۱۳ میزان را هر سال و تحت هر شرایطی به گونه ای درست و اصولی تجلیل واز این روز بزرگداشت بعمل آورد. بنابراین ما باید از نقش تاریخی خطی که موسس و بنیانگذار سازمان جوانان مترقی گردید و جریان شعله جاوید را براه انداخت و مدت چند سال رهبری کرد، قاطعانه دفاع کنیم. درین دفاع قاطع باید طبق فرمولبندی مائوئیستی «حق داشتن، سود جستن و اندازه نگه داشتن» حرکت نماییم.

باید خاطر نشان کرد که امروز در میان تمامی پیشگامان جنبش ما- چه پیشگامان زنده یاد و چه پیشگامانی که هنوز به خوبی یا بدی در قید حیات هستند، شخصیت رفیق زنده یاد اکرم یاری غیر متنازع ترین شخصیت محسوب می گردد و در واقع تا حد زیادی به عنوان یگانه شخصیت متعلق به کل جنبش مورد پذیرش قرار گرفته است.

این دستاورد مبارزاتی نه به آسانی بلکه با پیشبرد مبارزات ایدئولوژیک- سیاسی پیگیر و مداوم چندین ساله به کف آمده است و بر ما لازم است که وقار و حیثیت آن را مانند مردمک چشم خود حفظ نماییم. درینمورد باید صریحاً خاطر نشان ساخت که «اندازه نگه داشتن» و عدم توسل به اندازه گیری های لافزانه نهایت ضروری و مهم است. در غیر آن می توان در قالب ظاهری دفاع از رفیق زنده یاد اکرم یاری به آسانی دستاورد مبارزاتی به کف آمده در مورد ایشان را خدشه دار ساخت و حتی آن را مورد ضربت قرار داد.

بطور نمونه و بصورت قاطعانه باید یادآور شد که علم شدن چیزی بنام «اندیشه صدر اکرم یاری» توسط سازمان کارگران افغانستان به روشنی یک اندازه گیری غیراصولی لافزانه و مضر در مورد آن رفیق زنده یاد بوده است و بجای اینکه نقش تاریخی پیشروانه آن رفیق در راه اندازی و شکلدهی جنبش کشور ما را بیشتر از پیش تحکیم و گسترش ببخشد، به آن زیان می رساند.

ما امروز در موقعیتی قرار نداریم که با لافزنی در مورد گذشته مان، امروز خود را در گرو دیروز خود بگذاریم، بلکه بر ما لازم است که با تاکید و تکیه روی اصولیت های حقیقی دیروزی مان، کمبودات گذشته را نیز نشانی نماییم و با درس گیری از آن مسیر مبارزاتی آینده مان را اصولی تر و درخشان تر بسازیم. ما امروز در موقعیتی قرار نداریم که با لافزنی در مورد دستاوردهای تیوریکی

و پراتیکی هم‌سنگران بین المللی مان صرفاً دستاوردها و به اصطلاح دستاوردهای آن ها ببینیم، ولی هیچ توجهی به کجروی ها و شکست های آنها و دلایل کجروی ها و شکست های متذکره به عمل نیاوریم؛ روی همین ملحوظات است که باز هم تاکید می ورزیم درین دفاع قاطع باید طبق فرمولبندی مائوئیستی «حق داشتن، سود جستن و اندازه نگه داشتن» حرکت نماییم و برای این حرکت از هر نوع تشنت و پراکندگی صفوف، که بزرگترین ضربه به جنبش و آرمان های ما بوده است، امتناع ورزیم.

اکنون، پس از شصت سال آرمان عدالت، آزادی و دموکراسی هنوز زنده است و آینده هنوز به همبستگی ما نیازمند است. امروز، بیش از هر زمان دیگر، تاریخ از ما می خواهد:

- **بیایید صفوف پراکنده را گرد هم آوریم!**
- **بیایید از تفرقه، انزوا و خودخواهی عبور کنیم!**
- **بیایید با یک صدا، یک صف و یک اراده در برابر استبداد، فساد و بی‌عدالتی امارت اسلامی و حامیان بین المللی شان بایستیم!**
- **شصت سال پس از بنیان گذاری جنبش دموکراتیک نوین، این روز نه تنها یادبود گذشته است، بلکه ندای امروز و فردای ماست!**
- **بیایید مشترکاً در روز ۱۳ میزان و دیگر روزهای تاریخی یک هم آهنگی عملی داشته باشیم!**

نیاز عاجل مبارزاتی در شرایط کنونی کشور و جامعه از تمامی نیروهای مائوئیست و انقلابی می طلبد تا متحدانه و مشترکاً برای تجلیل روزهای تاریخی گام بردارند و ازین طریق بر سکتاریسمی که بر بدنه جنبش به شدت عمل میکند، پایان دهند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان وظیفه و رسالت خود میداند که بخاطر تامین وحدت میان نیروهای مائوئیست و انقلابی کشور از هیچگونه سعی و تلاشی دریغ نرزد و به سایر رفقا و دوستان نیز در پیش برد مسئولیت های شان یاری رساند.

به پیش در راه ایجاد هم آهنگی و اتحاد میان نیروهای مائوئیست کشور

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۱۳ میزان ۱۴۰۴

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



حمله هوایی پاکستان به افغانستان

و موضع

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در قبال جنگ بین دو کشور



پاکستان به تاریخ ۱۸ میزان (۹ اکتبر) پنج شنبه شب ساعت ۱۱ و ۵۵ به وقت کابل، پای تخت کشور را توسط جنگنده‌های نظامی، بمباران نمود، هم‌زمان با آن سه ولایت دیگر (خوست، ننگرهار و کنر) را نیز مورد هدف قرار داد و بمباران کرد. ما این حملات وحشیانه پاکستان را تقبیح می‌نمائیم. طالبان در مورد این حمله عکس العملی نشان ندادند تا شنبه شب به ساعت ۱۲ به وقت کابل با واکنش تلافی جویانه وارد یک جنگ هولناک گردیدند و از هشت منطقه مرزی بالای پاکستان حمله نمودند. این درگیری موجب زیان و تلفات به هر دو طرف گردید. هر طرف جنگ ادعای پیروزی بر طرف مقابل می‌نماید نتیجه هرچه باشد توده‌های دو کشور قربانی این جنگ ارتجاعی و تبلیغات نظامی هستند.

برای این که به ماهیت این جنگ ارتجاعی پی ببریم ضرور است که ابتدا به صورت مختصر نگاهی به پیشینه تاریخی پاکستان و روابط آن به افغانستان بیندازیم.

در دوران اشغال افغانستان توسط امپریالیزم انگلیس، یک توافقنامه ارتجاعی میان هنری مارتیمر دیورند رئیس هیأت مذاکره کننده از سوی سکرتریت خارجی دولت هند و وکیل دولت انگلیس، و دولت دست‌نشانده افغانستان (امیر عبدالرحمن خان) به تاریخ ۱۲ نوامبر سال ۱۸۹۳ میلادی - که بنام توافق‌نامه دیورند مشهور است - عملاً منطقه پشتون نشین افغانستان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم گردید و مناطق وزیرستان، سوات، باجوړ، خیبر، کرم، چترال و پشاور که بیش از صد و ده کیلومتر مربع ساحه را در بر می‌گیرد عملاً به دولت هند بریتانیایی به مدت یک قرن واگذار گردید. بعد از جنگ جهانی دوم که هند استقلال خود را از انگلیس گرفت بنا به طرح توطئه امپریالیزم انگلیس، هند را به دو قسمت پاکستان و هندوستان مجزا نمود. یا به عبارت دیگر پاکستان استقلال سیاسی خود را از هند به دست آورد. منطقه دیورند جز خاک پاکستان گردید. از آن زمان تا کنون میان دولت‌های ارتجاعی هر دو کشور روی این منطقه مناقشه و مخاصمه وجود داشته است.

امپریالیزم انگلیس برای پیاده نمودن طرح‌های شوم و استعمارگرانه خود به تقویت نیروهای بنیاد گرا در پاکستان پرداخت. از آن زمان تا کنون پاکستان به عنوان پایگاه بنیاد گرایی و تروریستی متباز گردیده است. پایگاه بنیاد گرایی پاکستان نه تنها در جهت تأمین منافع امپریالیزم بوده، بل که دولت پاکستان هم از آن بهره گرفته است.

بعد از جنگ پوهنتون کابل به تاریخ ۲۹ جوزای سال ۱۳۵۱ خورشید و جان باختن سیدال سخندان به دست گلبدین حکمتیار این قاتل مردم افغانستان، تعدادی از اخوانی‌ها به شمول برهان الدین ربانی و گلبدین حکمتیار به پاکستان پناه بردند. پاکستان برای رسیدن به مقاصد شوم خود به تربیه و تنظیم آن‌ها پرداخت. در سال ۱۳۵۴ خورشیدی آن‌ها را مسلح نموده و به داخل افغانستان فرستاد و عملاً توسط ایشان جنگ علیه دولت داودخان را به راه انداخت که توسط دولت داود خان به شدت سرکوب گردید، افرادی که زنده ماندند دوباره به پاکستان فرار نمودند. دولت پاکستان آن‌ها را در بغل گرفت.

کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی زمینه مناسبی برای مداخلات پاکستان به افغانستان گردید. پاکستان در طول دوران حیات سیاسی خود فقط به تربیه بنیاد گرایی دینی پرداخته است. در

زمان اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم، پاکستان با حمایت مستقیم امریکا و عربستان سعودی از بنیاد گرایان دینی به شمول مجاهدین و القاعده حمایت به عمل آورد.

پاکستان از سال ۱۳۵۷ خورشیدی به این سو به عنوان پایگاه امپریالیزم امریکا در منطقه نقش ایفا نموده و با اعمال سلطه طلبانه خواهان گسترش نفوذ خود در افغانستان بود. به همین ملحوظ مرتباً در امور داخلی افغانستان مداخله داشته است.

پاکستان در طول بیش از چهار دهه به عنوان لانه تروریسم و بنیاد گرایی عمل نموده است. این کشور از طریق همین بنیاد گرایان تلاش نموده تا زیر ساخت های اقتصادی افغانستان را نابود نماید. دولت پاکستان امیدوار بود که با روی کار آمدن دوباره طالبان، از آن ها به عنوان مهره مورد علاقه خود کار بگیرد. دولت عمران خان با طالبان روابط حسنه بر قرار نمود و تلاش داشت تا طالبان پاکستانی را از طریق طالبان افغانستانی به میز مذاکره بکشاند و آن ها را مهار نماید. بازداشت و بر کناری عمران خان باعث شد که طالبان پاکستانی قوت بگیرد و دولت پاکستان را به چالش بکشد. در حالی که با ادامه دولت عمران خان به احتمال قوی این امکان می رفت که آتش بس دایمی با طالبان پاکستانی منجر شود و این بحران شکل نگیرد. با شکل گرفتن این بحران پاکستان در باتلاق تروریسمی که خودش حامی و بنیان گذار آن بود فرو رفت. حملاتی که از طرف طالبان پاکستانی در درون پاکستان صورت می گیرد خشم دولت پاکستان را افروخته است. بناءً دولت پاکستان حملات تجاوز کارانه خود را به تاریخ متذکره بالای افغانستان شروع نمود.

جنگ میان پاکستان و افغانستان، یک جنگ ارتجاعی است که میان دو دولت ارتجاعی صورت گرفته است. هیچ یک از این دولت های نماینده منافع واقعی مردم افغانستان و پاکستان نیستند.

برای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مسأله اساسی این است که توده های زحمت کش افغانستان و پاکستان قربانی این جنگ ارتجاعی اند. تجارب تاریخی نشان داده که بدون سازمان یابی، رهبری مستقل کارگران تحت رهبری حزب پیش آهنگش، جنگ ها فقط به باز تولید قدرت های حاکمه می انجامد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان وظیفه خود می داند که قبل از همه معنای حقیقی این جنگ ارتجاعی را آشکار سازد و چهره خائنانه رژیم پاکستان که با اعمال سلطه طلبانه خویش خواهان گسترش نفوذ خود در افغانستان می باشد و طالبان که زیر نقاب "میهن پرستانه" می خواهند که خود را مخفی نمایند، فاش سازد.

جنگ یک عمل سیاسی است، در جهان نمی توان جنگی را یافت که فاقد جنبه سیاسی باشد. چند دهه است که پاکستان با مداخلات مستقیم و غیر مستقیم خود در افغانستان راه های

سیاسی مختلفی را به خاطر رسمیت بخشیدن به خط دیورند و اعمال سیاست استراتژی عمق نفوذ خود را در افغانستان پیش برد و ساحه نفوذ خود را در افغانستان گسترش دهد، جستجو نمود، اما بر عکس خواست و میل پاکستان دولت طالبان به موی بینی دولت پاکستان تبدیل گردید و از طالبان پاکستانی حمایت به عمل آورد. زمانی که دولت پاکستان متیقین شد که از راه های سیاسی به اهدافش نمی رسد، به جنگ توسل جست. در زمان حمله هوایی پاکستان به افغانستان، وزیر خارجه طالبان به هند به سر می برد، در این زمان هند در کنار طالبان ایستاد.

دولت پاکستان مطمئن بود که طالبان هیچ عکس العملی در مقابل حملات هوایی پاکستان از خود نشان نمی دهند، اما حملات طالبان بالای پاکستان دور از انتظار دولت پاکستان بود. این تنش میان پاکستان و طالبان به زودی حل شدنی نیست. در این جنگ هیچ یک از طرفین برنده نخواهد بود، و فقط توده های زحمت کش هر دو کشور قربانی این جنگ ارتجاعی و تبلیغات نظامی هستند. لذا جنگ را به عنوان جنگ ارتجاعی محکوم می کنیم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بارها بیان نموده و باز هم تأکید می نماید که برای پیش برد وظیفه مهم و راه اندازی جنگ خلق به ستاد فرماندهی واحد بین المللی نیازمندیم. امید است که مبارزه برای یک تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های بین المللی به منظور تصویب بیانیه و آئین نامه تشکیلاتی جدید هر چه عاجل راه اندازی گردد. ما به خوبی آگاهیم که این وظیفه مهم نیاز عاجل مبارزاتی مائوئیست های جهان است.

به پیش در راه کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های مائوئیست جهان

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۱ میزان ۱۴۰۴ خورشیدی

۱۲ اکتبر ۲۰۲۵ میلادی

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com

نکاتی مختصر پیرامون حمله هوایی پاکستان به افغانستان

از دیدگاه حزب پرافتخار ما، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، خط دیورند یک توافقنامه ارتجاعی میان هنری مارتیمر دیورند رئیس هیأت مذاکره کننده از سوی سکرتریت خارجی دولت هند و وکیل رسمی دولت انگلیس، و دولت دست‌نشانده وقت افغانستان (امیر عبدالرحمن خان) که به تاریخ ۱۲ نوامبر سال ۱۸۹۳ میلادی عقد گردید، یک مرز ارتجاعی و استعماری است که تنها در خدمت منافع امپریالیزم و طبقات حاکم وابسته قرار دارد.

حل این مسئله نه از مسیر ملی‌گرایی ارتجاعی و جنگ دولت‌ها، بلکه از طریق اتحاد انقلابی توده‌های هر دو کشور در مبارزه علیه امپریالیزم و فئودالیزم ممکن است. خلق‌های پشتون، بلوچ، تاجیک، هزاره و دیگر ملیت‌ها باید با حفظ برادری و همبستگی طبقاتی، دست در دست هم دهند و علیه دشمن مشترک برخیزند.

در این شرایط، با قاطعیت اعلام می‌داریم که خلق‌های افغانستان و پاکستان دشمن یکدیگر نیستند. دشمنان واقعی آن‌ها، امپریالیزم جهانی (در رأس آن امپریالیزم لجام گسیخته آمریکا)، سرمایه‌داران بومی وابسته، و فئودال‌های حاکم‌اند که خون توده‌ها را مکیده و سرزمین‌های ما را به میدان جنگ نیابتی قدرت‌های بیگانه مبدل ساخته‌اند.

توده‌های ستمدیده هر دو کشور باید فریب تبلیغات شوونیستی و ملی‌گرایانه دولت‌های مزدور را نخورند. هیچ بمباردانی، هیچ شعار «دفاع ملی» و هیچ بیرق ارتجاعی، نمی‌تواند تضاد اساسی میان خلق و دشمن طبقاتی را پنهان کند. تنها با اتحاد انقلابی خلق‌های افغانستان و پاکستان، در زیر درفش سرخ انقلاب دموکراتیک نوین و در مسیر اعتلای جنگ خلق، می‌توان به سلطه امپریالیزم و رژیم‌های وابسته پایان داد.

یکی از وظایف تخطی‌ناپذیر ما درین برهه حساس تاریخی، افشاء چهره کریحه دولت‌های مرتجع و تبلیغ و ترویج بخاطر دعوت به مبارزه است. ما از همه نیروهای صادق، انقلابی، کارگران، دهقانان، روشنفکران مترقی و جوانان مبارز دعوت می‌کنیم تا در کنار حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و در سنگر واحد خلق‌ها علیه امپریالیزم، فئودالیزم و سرمایه‌داری بومی و بروکرات وابسته بایستند. تنها راه رهایی خلق‌های ما از جنگ، فقر و وابستگی، انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری پرولتاریا است — انقلابی که راه سوسیالیزم و آزادی واقعی را در پیشروی به سوی کمونیسم می‌گشاید.

مرگ بر امپریالیزم!

مرگ بر ارتجاع داخلی و مزدوران امپریالیزم

زنده باد اتحاد انقلابی خلق‌های افغانستان و پاکستان

زنده باد جنگ خلق و انقلاب دموکراتیک نوین!

زنده باد مارکسیزم — لنینیسم — مائوئیسم

درود بر پرولتاریای بین‌المللی!

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

شاعر — ۲۷ میزان ۱۴۰۴ خورشیدی

کشوری که امروزه به نام پاکستان شناخته می‌شود، در تاریخ ۱۴ اگست ۱۹۴۷ میلادی (۲۳ اسد ۱۳۲۶ خورشیدی) به‌دنبال فروپاشی مستقیم سلطه استعماری بریتانیا بر شبه‌قاره هند تشکیل گردید. در آن زمان، امپراتوری هند بریتانیایی به دو کشور جداگانه — هند و پاکستان — تقسیم شد. رهبری اصلی جنبش تأسیس پاکستان را محمدعلی جناح، رهبر مسلم‌لیگ، بر عهده داشت.

هدف از ایجاد این کشور، بر اساس ایدئولوژی پان‌اسلامیزم و بنیادگرایی دینی، تأسیس دولتی جداگانه برای مسلمانان شبه‌قاره اعلام گردید. در آغاز، پاکستان از دو بخش مجزا تشکیل می‌شد:

- پاکستان غربی (پاکستان امروزی)، و
- پاکستان شرقی که در سال ۱۹۷۱ میلادی از آن جدا گردید و کشور بنگلادیش را تشکیل داد.

در سال‌های نخست، پایتخت پاکستان شهر کراچی بود، اما در سال ۱۹۶۷ میلادی مرکز سیاسی و اداری کشور به اسلام‌آباد انتقال یافت.

از آن زمان تا امروز، بیش از هفتاد و هشت سال از تأسیس این کشور می‌گذرد؛ کشوری که از بدو پیدایش، دولت‌های وابسته آن ابزار مستقیم امپریالیزم در منطقه و پایگاه سیاسی- نظامی برای تحقق اهداف ارتجاعی و ضدخلق‌ها بوده است.

از همان آغاز پیدایش، دولت پاکستان نه بر بنیاد منافع واقعی خلق‌های ساکن آن، بلکه بر مبنای نقشه امپریالیزم انگلیس برای تفرقه‌افگنی در میان خلق‌های شبه‌قاره بنا شد. این کشور از بدو تأسیس، به‌مثابه سنگر ارتجاعی ضدانقلابی در خدمت منافع امپریالیزم عمل کرده و امروز نیز تحت قیمومیت مستقیم امپریالیزم آمریکا و هم‌پیمانانش قرار دارد. دولت پاکستان در طول تاریخ هفتاد و هشت ساله خود، نه‌تنها هیچ‌گاه استقلال واقعی نداشته، بلکه به یکی از ابزارهای اساسی برای دخالت، توطئه و تجاوز علیه کشورهای همسایه، به‌ویژه افغانستان تبدیل شده است.

حمله هوایی اخیر نیروهای پاکستانی به تاریخ ۱۸ میزان (۹ اکتوبر) بر خاک افغانستان نیز در همین چارچوب قابل درک است. این حمله نه دفاع از منافع ملی پاکستان است و نه اقدام مشروع نظامی؛ بلکه بخشی از سیاست تجاوزگرانه و امپریالیستی است که از سوی دولت وابسته پاکستان در هماهنگی با اربابان امپریالیستی آن، برای تحکیم سلطه و مهار جنبش‌های توده‌ای در منطقه صورت می‌گیرد.

اما از دیدگاه ما، جنگ میان دولت‌های ارتجاعی کابل و اسلام‌آباد، جنگ خلق‌ها نیست، بلکه جنگ طبقات حاکم وابسته است — جنگ میان دو رژیم مزدور که هر دو منافع امپریالیزم را نمایندگی می‌کنند. خلق‌های افغانستان و پاکستان هیچ نفعی در این جنگ ندارند؛ برعکس، قربانی اصلی چنین درگیری‌هایی همیشه کارگران، دهقانان، و زحمتکشان هر دو کشور هستند.

و اما در مورد خط دیورند: مرز تحمیلی امپریالیزم —

مسئله موسوم به «خط دیورند» یکی از میراث‌های شوم استعمار انگلیس است که با هدف تجزیه و تضعیف خلق‌های پشتون و بلوچ در دو سوی مرز ترسیم گردید. این خط، نه‌تنها فاقد مشروعیت تاریخی و مردمی است، بلکه ابزار دوام دشمنی و بی‌اعتمادی میان دو ملت برادر افغانستان و پاکستان شده است.



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)



استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)

بیست و چهارم اسد را به روز قیام عمومی بدل کنید!

به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پیوندید!

و درفش جریان دموکراتیک نوین را دوباره به اهتزاز در آورید

FOURTH ANNIVERSARY OF THE TALIBAN'S RETURN



در اکتبر ۲۰۰۱ م. امپریالیزم اشغال گر امریکا و متحدینش زیرنام مبارزه با "تروریزم" و "آزادی زنان از چنگال نیروهای قرون وسطایی طالبان" به افغانستان تجاوز نظامی نموده و این کشور را به اشغال نظامی خود در آوردند. اما زمانی که اشغال گران امریکایی از لحاظ نظامی به بن بست خوردند و متوجه شدند که به شکست سختی رو برو اند، بناءً مستقیماً بدون در میان گذاشتن رژیم پوشالی غنی، راه سازش و مذاکره را با طالبان در پیش گرفتند. بعد از چندین دور مذاکره "توافق نامه صلح" را در دوحه با طالبان امضاء نمودند. با امضاء این توافق نامه امپریالیزم اشغالگر امریکا با تمام شعارهای کاذبی که ذهنیت توده ها و نسل جوان را مغشوش نموده بود پشت پا زد و در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ م. مطابق ۲۴ اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی قدرت سیاسی را بدون یک فیر مرمی در کابل با حضور داشت ۵۸۰۰ عسکر نظامی امریکایی - به استثناء عساکر متحدین امریکا - به طالبان قرون وسطایی متحجر و زن ستیز تسلیم نمود.

تحفه ای که اشغال گران امپریالیست در ظرف بیست سال بنام دموکراسی به افغانستان اهدا نمود، علاوه بر قتل عام مردم بی گناه دست رژیم پوشالی را برای هر جنایتی باز گذاشت. این "دموکراسی" به جز غم و اندوه، ترور و اختناق چیز دیگری برای توده های زحمت کش به ارمان نیاورده است.

در ظرف بیست سال حضور نظامی اشغال گران، در مورد به اصطلاح آزادی زنان باید گفت که فقط دروازه های مکاتب و پوهنتون ها به روی زنان و دختران باز شد، اما آمار جنایت از قبیل سوختاندن زنان، بریدن گوش و بینی، قطع کردن انگشتان دست و پا، تجاوزات جنسی مکرر، اختطاف زنان و کودکان، زنده به گور نمودن دختران، تهدید زنان از طرف مقامات بلند پایه دولتی و... قوس صعودی خود را پیمود، این جنایت به حدی رسید که ناقوس رسوایی ارگ ریاست جمهوری به صدا در آمد. در هیچ کشوری از جهان این چنین گستردگی جنایات را نمی توان سراغ گرفت. در آن زمان بزرگ ترین جنایات در حق زنان، بخصوص تجاوزات جنسی، از طرف مقامات بلند پایه دولتی و افسران اردو و پولیس رژیم پوشالی صورت گرفته است. همان طوری که امروز این جنایات از طرف مقامات دولتی امارت اسلامی افغانستان صورت می گیرد.

با فرا رسیدن ۱۵ آگست سال ۲۰۲۵ م. (۲۴ اسد سال ۱۴۰۴)

خورشیدی)، کارزار جنایت کارانه طالبان و جنایات پشت پرده امپریالیست ها در افغانستان، چهارمین سال جنایت، فریب کاری، ترور و اختناق را پشت سر گذاشته است. چهار سال جنایت علیه خلق افغانستان، چهار سال جنایت علیه زنان و محرومیت نصف نفوس جامعه از حق تحصیل و کار، چهار سال تحمیل شئونیزم جنسی و میلیتی در تمامی ابعاد جامعه، چهار سال ترویج خشونت علیه میلیت های تحت ستم، چهار سال ترویج آپارتاید جنسیتی و چهار سال کوچ اجباری هزاره ها و تاجیک های پنجشیر و غیره و غیره در قالب شریعت اسلامی صورت گرفته است.

و در مبارزه بخاطر تحقق امر انقلاب دموکراتیک نوین در کشور، آن طوری که شاید و باید، سهم گرفته، به پیش رویم و دین خود را در قبال مردمان رنج دیده و بلاکشیده میهن ادا نمایم.

در شرایط فعلی بدون دعوت به وحدت و مبارزه، بدون بسیج عمومی و بدون اراده آهنین علیه بی عدالتی ها، نابرابری ها، بیکاری، فقر، بی بضاعتی، در به دری، آوارگی، و هزاران ظلم و ستمی که بر کشور و مردمان کشور ما جاری است، و در یک کلام بدون مبارزه طبقاتی و دامن زدن به مبارزات سیاسی نخواهیم توانست جنبش حرکی را به میان آوریم که بر محور مبارزات قهری برای سرنگونی امارت اسلامی افغانستان و کوتاه نمودن دست امپریالیست ها از کشور، قدرت حاکم را در هم شکند، این رژیم را از تخت قدرت به زیر کشد، پرچم آزادی را برافرازد، قیام سازمان یافته را به پیروزی رساند، انقلاب پیروزمند دموکراتیک نوین را به ثمر رساند و بنیاد ستم را براندازد. پس با اراده آهنین و عزم متین همه با هم علیه ظلم و نابرابری به پا خیزیم!

غیر از این، راه دیگری برای خروج کشور و مردمان کشور، من جمله جوانان و به خصوص زنان، از بدبختی و فلاکت هول انگیز کنونی وجود ندارد.

بناء باید با تمام نیرو و توان مبارزتی مان برای تدارک برپائی و پیش برد مقاومت ملی مردمی و انقلابی خود را متمرکز نمایم. فقط از طریق این روند سیاسی است که می توان تمام خلق ستم دیده را علیه امارت اسلامی و حامیان امپریالیست شان و توطئه ها و بازی های پشت پرده استعماری شان بسیج کرد، توده ها را از زیر کنترل و اسارت نیروهای امپریالیستی - ارتجاعی خارج نمود و انقلاب دموکراتیک نوین را به سرانجام رسانید. نیروهای انقلابی ملی و دموکراتیک افغانستان وظیفه سنگینی بر عهده دارند و آن ها هستند که رسالت نهایی رهایی خلق از قید امپریالیزم و ارتجاع را دارا می باشند. فقط با تأمین استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور و پیشروی مداوم، در مسیر انقلاب، فردای مان شگوفان، پر بار، بری از سلطه امپریالیست ها و مرتجعین و سرشار از آزادی و بهروزی خواهد بود.

مرگ بر روز سیاه ۱۵ آگست !

**سرنگون باد امارت اسلامی افغانستان و حامیان
امپریالیست شان!**

**به پیش در راه برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی
مردمی و انقلابی !**

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۴ اسد ۱۴۰۴ خورشیدی

۱۵ آگست ۲۰۲۵ میلادی

www.cmpa.io || SholaJawid@cmpa.io ||

SholaJawid2@hotmail.com

حالا برای مردم جهان و به خصوص مردم زحمت کش افغانستان و خاصاً زنان افغانستان روشن گردیده است که شعار "مبارزه علیه تروریسم" و "آزادی زنان" و "دموکراسی" امپریالیزم امریکا یک شعار کاذب و فریبنده بیش نبوده است.

طالبان ۱۵ آگست (۲۴ اسد) را همه ساله جشن می گیرند و تجلیل می کنند. امسال نیز این کار را نمودند و شب ۱۵ آگست را با فیرهای شادمانه تقریباً چهار ساعته در اکثریت ولایات کشور تجلیل کردند. آن ها می خواهند با این تجلیل فریبنده، خود را یک نیروی مستقل وانمود سازند، در حالی که بر همه واضح است طالبان با یک معامله، قدرت سیاسی را قبضه نمودند و افغانستان کماکان در اشغال نیروهای امریکایی قرار دارد، منتها نسبت به گذشته خفیف تر.

تجلیل طالبان از ۱۵ آگست فقط برای تحمیق توده ها صورت می گیرد. فاجعه ۱۵ آگست را می توان سر آغاز روز سیاه توده های زحمت کش افغانستان و به خصوص زنان ستم دیده این کشور نامید. پس بیائید ۱۵ آگست را به روز تشدید مقاومت علیه امارت اسلامی طالبان و حامیان امپریالیست اشغال گر شان بدل نمایم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از همان آغاز به قدرت رسیدن دوباره طالبان با موضع روشن و قاطع، طرح های پشت پرده امپریالیزم اشغال گر امریکا را افشاء ساخت و به شدت محکوم نمود.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با انتشار ده ها مقاله تحلیلی پرده از سیاست استعماری پشت پرده امپریالیزم امریکا با طالبان برداشت و مخالفت خود را به "توافقنامه صلح" دوحه ابراز نمود و همواره تاکید به عمل آورد که سرنگونی رژیم های ارتجاعی وظیفه خلق ستم دیده این کشور است و اقدام امپریالیست های امریکایی و شرکاء برای تعویض مهره، نقض روشن حق تعیین سرنوشت توده های افغانستانی است.

کشور افغانستان کماکان در چنگال امپریالیست های اشغال گر امریکایی قرار دارد، و امارت اسلامی افغانستان یک حاکمیت گوش به فرمان امپریالیست های اشغال گر امریکا بوده که در خدمت بقاء و دوام اشغال نقش بازی می کند. وحشی گری و بربریتی که سایه شومش را بر وطن و مردمان وطن، به ویژه توده های فقیر و زحمتکش، گسترانیده و انزوای سیاسی کشور تحت امارت اسلامی افغانستان، اثرات شوم خود را بر افغانستانی های مهاجر در سطح جهان گذاشته، اخراج میلیون ها تن از هموطنان ما از کشورهای همسایه و کشورهای اروپایی به اوج خود رسیده و عدم مصونیت مهاجرین افغانستانی در بیرون از مرزها با وحشت و دهشت روز افزون همراه شده است؛ همه و همه از "برکت" شوم امارت اسلامی است که در دنیای امروزی مثل و مانندی ندارد بلکه مثالش را در تاریخ طولانی این خطه نیز کمتر میتوان سراغ نمود. با توجه به این چنین وضعیت بحرانی و وخیمی است که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با احساس مسئولیت عمیق در قبال سرنوشت مردمان وطن، تمامی احاد ملت را مورد خطاب قرار میدهد که بیایید در امر احیاء مجدد جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید)، قاطعانه و فعالانه به نحو اصولی در کنار یکدیگر قرار بگیریم تا بتوانیم همه با هم در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم

دعوتنامه نشست بین‌المللی

به رفقای گرامی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان!

دعوت برای این نشست متوجه کمیته‌های حمایت از جنگ خلق در هند و تمامی احزاب و سازمان‌هایی است که در کارزارهای «کمیته بین‌المللی پشتیبانی از جنگ خلق در هند» اشتراک داشته‌اند.

مشارکت در این نشست - طبعاً غیرعلنی - به دلیل مشکلات لجستیکی (محل اقامت و غذا توسط شاخه ایتالیایی کمیته ... تضمین می‌شود) به یک یا دو نماینده محدود خواهد بود.

همچنین، بر اساس پیشنهاد برخی از نمایندگان، امکان گفت‌وگوهای دوجانبه یا چندجانبه در مورد «فوروام بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست-لنینیست-مائوئیست در سال ۲۰۲۶» وجود دارد - این نیز پیشنهادی از جانب رفقای هندی است - که به‌طور کلی بر پایه اعلامیه مشترک روز جهانی کارگر (ماه می ۲۰۲۴) خواهد بود.

ما امیدوار و منتظر مشارکت شما هستیم. البته اگر امکان حضور مستقیم وجود نداشته باشد، می‌توانید مکاتبات و پیشنهادهای خود را به‌صورت کتبی ارسال کنید.

پس از دریافت پاسخ شما، اطلاعیه‌های سازمانی برایتان ارسال خواهد شد.

با درودهای کمونیستی!

«کمیته بین‌المللی پشتیبانی از جنگ خلق در هند»

۵ - آگست - ۲۰۲۵

قرار است نشست بین‌المللی «کمیته بین‌المللی پشتیبانی از جنگ خلق در هند - ICSPWI» به تاریخ ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵ در شهر برگامو - ایتالیا برگزار گردد که طی این نامه ما به شما اطلاع داده و شما را درین نشست دعوت می‌کنیم.

اجندای نشست جلسه قرار ذیل است:

- الف) بیست و یکمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست هند (مائوئیست)، بررسی وضعیت کنونی حزب و جنگ خلق پس از رویدادهای ۲۱ می. این بخش یا به‌طور مستقیم ارائه می‌شود یا بر اساس اسناد حزب کمونیست هند (مائوئیست) که برای نشست فرستاده می‌شود.

- ب) وظایف و برنامه‌های پشتیبانی بین‌المللی برای شش ماه آینده در اروپا / آسیا / آمریکا (ایالات متحده و آمریکای لاتین) / استرالیا / شمال آفریقا / فلسطین و خاورمیانه. این شامل اعزام یک هیئت بین‌المللی به هند و نیز سازماندهی تظاهرات بین‌المللی در ماه مارچ سال ۲۰۲۶ میلادی (هفته آخر ماه مارچ) خواهد بود - که همچنین سالگرد کمون نیز هست.

بدیهی است فعالیت‌های «کمیته بین‌المللی پشتیبانی از جنگ خلق در هند - ICSPWI» همچنان در پیوند با جنبش‌های حامی فلسطین، مبارزه علیه جنگ‌های امپریالیستی و سرکوب دولتی - برای پیشبرد انترناسیونالیزم پرولتری، ادامه خواهد داشت.



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



پیشنهادهای ما پیرامون دعوتنامه نشست بین‌المللی

(۲۶ - ۲۷ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵)

به رفقای گرامی و اشتراک‌کنندگان نشست «کمیته بین‌المللی پشتیبانی از جنگ خلق در هند»!

که این امر باعث بیکاری فقر و تنگدستی بیشتر مردمان ما گردیده و حتی عرصه تنفس بر مردم ما را محدود ساخته است.

در چنین شرایط تحت حاکمیت ظلم و بربریت طالبان صدور ویزا نیز برای اتباع افغانستان حتی از کشورهای همسایه مشکل و میتوان گفت ناممکن گردیده و مردم ما در حلقه‌های محاصره گیر مانده‌اند؛ لذا شرکت حضوری ما در این کنفرانس مهم را غیر ممکن ساخته است. به این خاطر پیشنهادهای خود را خواستیم به صورت کتبی ارسال نماییم.

پس از دریافت دعوتنامه در مورد نشست «کمیته بین‌المللی حمایت/پشتیبانی از جنگ خلق در هند» که به تاریخ ۲۶ سپتامبر برگزار میگردد، و شامل سه محور بحثی است، در نظر داشتیم یک تن از نمایندگان خویش را به جلسه اعزام نماییم؛ اما افغانستان نظر به موقعیت جئوپولیتیکی خود باردیگر به محراق توجه امپریالیست‌ها، سوسیال امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه و جهان قرار گرفته و هرکدام غرض حفظ منافع شان با امارت اسلامی طالبان حاکم بر افغانستان به تعامل و معامله‌گری پرداخته

پیشنهادهای ما

در مورد بند اول اجندای جلسه: بیست و یکمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست هند (مائوئیست)، بررسی وضعیت کنونی حزب و جنگ خلق پس از رویدادهای ۲۱ می:-

اطلاعیه ۲۳ می ۲۰۲۵ «کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند» تحت عنوان «افتخار و شکوه بر رفیق باساواراجو (نامبالا کشاوا راثو)» به وضوح نشان میدهد که در بیست و یکمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست هند (مائوئیست) هرچند ارتش فاشیست هند با حمله بزدلانه و خاینانه جان باساواراجو و همزمانش را گرفت ولی هرگز قادر نخواهند شد که اراده و عزم راسخ انقلابی رفقای حزب کمونیست هند (مائوئیست) را تضعیف نماید؛ بلکه رفقا با روحیه عالی تر جنگ خلق را با عزم راسخ و قدم های متین و پر توان ادامه خواهند داد و دشمن زبون را زمین گیر خواهند نمود.

به یقین کامل میتوان گفت که جنگ خلق پس از رویدادهای ۲۱ می ۲۰۲۵، نشان داد که احزاب و سازمان های مائوئیستی نسبت به هر زمان دیگر نیاز به احیای دوباره جنبش انقلابی انترناسیونالیستی دارند تا از طریق کمیته تشکیلات آن انسجام بین المللی را بوجود آورده و تمام احزاب و سازمان های مائوئیستی بتوانند بر مبنای انترناسیونالیسم پرولتری همدیگر را در سطح جهان یاری رسانند. بدین ملحوظ هر قدر مبارزات تدارکی سازمان یافته و پی گیر برای تشکیل کنفرانس جدید مائوئیستی بین المللی و ایجاد تشکیلات جدید مائوئیستی بین المللی را به پیش هدایت کنیم، به همان اندازه می توانیم- و باید- پروسه هم آهنگی بین المللی میان نیروهای مائوئیست را به پیش سوق دهیم و آن را عمق و گسترش بخشیم.

هم اکنون زمان آن رسیده که تمامی احزاب و سازمان های مائوئیستی از طریق یک مرکز بین المللی دست به دست هم داده و به حمایت و همکاری رفقای حزب کمونیست هند (مائوئیست) و دیگر انقلابیون بشتابند و در تمام سطوح به همدیگر یاری رسانند.

قابل یادآوری است که ارتباط حزب ما با حزب کمونیست هند (مائوئیست) از مدتی به این طرف قطع گردیده ولی ما با کمک رفقا تلاش خواهیم نمود تا این رابطه دوباره برقرار گردد و به مبارزات خود هم دوش یکدیگر در منطقه و جهان ادامه دهیم.

در مورد بند دوم اجندای جلسه: وظایف و برنامه های پشتیبانی بین المللی برای شش ماه آینده در اروپا / آسیا / آمریکا (ایالات متحده و آمریکای لاتین) / استرالیا / شمال آفریقا / فلسطین و خاورمیانه. این شامل اعزام یک هیئت بین المللی به هند و نیز سازماندهی تظاهرات بین المللی در ماه مارچ سال ۲۰۲۶ میلادی (هفته آخر ماه مارچ) خواهد بود - که همچنین سالگرد کمون نیز هست:-

به نظر ما پشتیبانی احزاب و سازمان های مائوئیستی در سطح جهان از جنگ خلق در هند در شش ماه آینده یک امر حتمی و مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بوده و خود گامی است بطرف ایجاد یک مرکز بین المللی انقلابی کمونیستی.

در مورد تظاهرات ماه مارچ ۲۰۲۶ در پیوند سالگرد کمون پاریس، باید گفت که در داخل افغانستان که یک نظام کاملاً تئوکراتیک با دستگاه انگیزسیون شدید و متحجر قرون وسطی امارت اسلامی و حمایت بی دریغ امپریالیستی از آن حاکم است، سازماندهی آن بعید به نظر میرسد، اما حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با رعایت اصول

انترناسیونالیسم پرولتری و پشتیبانی از جنگ خلق در هند به مبارزات خود در داخل افغانستان ادامه داده و از وسایل و طرق ممکنه برای شش ماه آینده برنامه ریزی خواهد کرد.

در مورد بند سوم اجندای جلسه: فعالیت های «کمیته بین المللی پشتیبانی از جنگ خلق در هند - ICSPWI» همچنان در پیوند با جنبش های حامی فلسطین، مبارزه علیه جنگ های امپریالیستی و سرکوب دولتی - برای پیشبرد انترناسیونالیسم پرولتری:-

روابط و مناسبات میان احزاب و سازمان های مائوئیست کشورهای مختلف جهان، از جمله در مرحله مبارزاتی کنونی، باید مبتنی بر اصول انترناسیونالیسم پرولتری، یگانگی طبقاتی کارگران کشورهای مختلف جهان و هم سنگری تمامی کمونیست ها در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم در کل و مشخصاً کاروپیکار به خاطر انقلابات دموکراتیک نوین و انقلابات سوسیالیستی در کشورهای مختلف جهان باشد.

رفقای عزیز!

ضمن این که برای نشست بین المللی کنونی از صمیم قلب آرزوی موفقیت و پیروزی داریم، با اغتنام از این فرصت یادآوری می نمایم که مبارزات دو خط در سطح بین المللی برای وحدت جنبش بین المللی کمونیستی یک امر انصراف ناپذیر است؛ بناء پیشنهادات مشخص ما درین خصوص عبارتند خواهند بود از:

1. تلاش برای احیای دوباره کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی از طریق کنفرانس بین المللی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) در سطح جهان

2. مبارزه جدی و منسجم علیه انحرافات راه پاراچندا، اندیشه گونزالو و سنتزهای نوین باب آواکیان در سطح جنبش بین المللی

برای رفقا یک مجلس موفق و موثر را خواهیم

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

به پیش به سوی تشکیل کنفرانس مائوئیستی بین المللی و ایجاد تشکیلات جدید مائوئیستی بین المللی!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۰ سپتامبر ۲۰۲۵



بیایید بیست و یکمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست هند (مائوئیست) را با روحیه انقلابی در سراسر کشور از ۲۱ تا ۲۷ سپتامبر جشن بگیریم

- بیایید حزب، ارتش چریکی آزادی بخش خلق (PLGA)، جبهه متحد و جنبش انقلابی را حفظ کنیم.
- بیایید توده‌های وسیع را در مبارزه طبقاتی و جنگ چریکی بسیج کنیم تا جنگ ضدانقلابی «کاگار» را شکست دهیم.
- بیایید حزب را در برابر دشمن شکست‌ناپذیر کنیم.
- بیایید توانایی جنبش انقلابی را برای غلبه بر عقب‌ماندگی افزایش دهیم.

فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مائوئیست) به صفوف حزب، نیروهای PLGA، سازمان‌های توده‌ای انقلابی و مردم!

درس‌های تاریخی و تاکتیکی

رفقا و مردم عزیز!

تجربه انقلاب‌های روسیه و چین نشان می‌دهد که با تحلیل درست از شکست‌ها، اتخاذ خط‌مشی و استراتژی صحیح سیاسی و نظامی، و اجرای قاطع آنها، جنبش‌های انقلابی می‌توانند از شکست موقت عبور کرده و پیروز شوند. در تاریخ خود ما نیز پس از شکست جنبش‌های ناگزالباری و سریکاکولا، با تحلیل درست علل آن شکست‌ها، بار دیگر در اندرا پرادش و بیهار جنبش انقلابی را برپا کردیم.

پس از تشکیل حزب کمونیست هند (مائوئیست) در ۲۰۰۵، دولت مرکزی و ایالتی با طرح‌های ضدانقلابی گوناگون مانند **سالوا جودوم**، **عملیات شکار سبز**، **سمدان و سورجکوند** به حزب حمله کردند اما ما با تاکتیک‌های درست مقاومت و آنها را شکست دادیم. امروز نیز باید همان شیوه انقلابی را در جنگ کاگار به کار بگیریم.

ضعف‌ها و راهکارها

دلیل اصلی خسارت‌های اخیر این است که نیروهای ما به‌درستی اصول کار مخفی و قواعد جنگ چریکی را رعایت نکرده‌اند و تاکتیک‌های مصوب کمیته مرکزی را اجرا نکرده‌اند. باید نیروها را غیرمتمرکز و در مناطق وسیع‌تر پراکنده کنیم، اشکال قانونی، غیرقانونی، علنی و مخفی مبارزه را تلفیق کنیم و چهار قشر مختلف مردم را در شهرها، دشت‌ها و جنگل‌ها به جنبش جلب نماییم.

کمیته مرکزی و دفتر سیاسی تاکتیک‌های مشخصی را تدوین کرده‌اند و اکنون ضروری است که همه کمیته‌های ایالتی و منطقه‌ای این تاکتیک‌ها را به‌درستی به کار بندند تا تلفات کاهش یابد.

جنگ روانی و ضعف دشمن

هرچند دشمن خسارت‌های ما را تبلیغ می‌کند، ولی تلفات سنگین خود را پنهان می‌سازد. در عملیات کاریگوتا، نیروهای ما هزاران تله انفجاری کار گذاشتند که پیشروی دشمن را برای ۱۶ روز متوقف کرد و ده‌ها

سال گذشته، ما با شور و اشتیاق بیست‌مین سالگرد حزب‌مان را جشن گرفتیم، در حالی که در برابر جنگ ضدانقلابی «کاگار» مقاومت کردیم. در طول این سال، حزب ما، PLGA و سازمان‌های محلی با شجاعت و اراده بزرگ در جهت شکست این جنگ تلاش کردند و وظایفی را که کمیته مرکزی بر عهده کل حزب و جنبش انقلابی گذاشته بود، انجام دادند. کمیته مرکزی انقلابی‌ترین توده‌های خود را به همه اعضای حزب، رفقای PLGA، سازمان‌های توده‌ای، کادرهای تمام بخش‌ها، توده‌های انقلابی و حامیان انقلاب تقدیم می‌کند.

در بیست و یکمین سالگرد تأسیس حزب، کمیته مرکزی از همه صفوف حزب و توده‌های انقلابی می‌خواهد که حزب، PLGA، جبهه متحد و جنبش انقلابی را حفظ کنند، توده‌های وسیع را در مبارزه طبقاتی و جنگ چریکی متحد سازند، جنگ ضدانقلابی «کاگار» را شکست دهند، حزب را در برابر دشمن آسیب‌ناپذیر کنند و توانایی حزب را برای غلبه بر عقب‌ماندگی جنبش انقلابی افزایش دهند.

شهادت‌ها و خسارت‌ها

در این سال، دبیرکل حزب ما، رفیق باساوا راجو (نومبالا کسوا راثو) در جریان مبارزه برای انقلاب دمکراتیک نوین و مقاومت در برابر جنگ کاگار همراه با چندین عضو کمیته مرکزی و ایالتی به شهادت رسید. در مجموع ۳۶۶ رفیق در طول سال گذشته جان باختند. کمیته مرکزی با فروتنی به همه این شهدا ادای احترام می‌کند و عهد می‌بندد که برای تحقق آرمان‌های والای آنان با عزم راسخ تلاش کند.

این نخستین بار از سال ۱۹۷۲ است که دبیرکل حزب در یک حمله دشمن به شهادت می‌رسد. از دست دادن چهار عضو کمیته مرکزی و ۱۷ عضو کمیته ایالتی در یک سال، ضربه بزرگی بر جنبش انقلابی هند است. وظیفه ما این است که از این ضربه عبور کنیم، علل خسارت‌ها را شناسایی و اصلاح کنیم و با اراده‌ای استوار جنبش را هدایت نماییم.

سیاست‌ها ثروت طبقات حاکم و سرمایه‌داران امپریالیست را افزایش داده و زندگی توده‌های مردم را نابود می‌سازد.

نتیجه و فراخوان

- بیابید عملیات ضدانقلابی «کاگار» را شکست دهیم.
- حزب، ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق، جبهه متحد و جنبش انقلابی را حفظ کنیم.
- از تسلیم و خیانت بپرهیزیم.
- جنگ چریکی را ادامه دهیم و مبارزه طبقاتی را شدت بخشیم.
- علیه فاشیزم هندوتوا مبارزه کنیم.

زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم.

زنده باد انقلاب دمکراتیک نوین هند.

زنده باد ارتش چریکی آزادی‌بخش خلق

زنده باد حزب کمونیست هند (مائوئیست).

با درود انقلابی

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مائوئیست)

۶ سپتامبر ۲۰۲۵

نظامی آنها کشته و زخمی شدند، اما در گزارش‌ها پنهان شد. این نشان می‌دهد که روحیه دشمن ضعیف است. آنان برای هر چریک ما ۳۰ تا ۱۰۰ سرباز مسلح اعزام می‌کنند، زیرا نیروهایشان مزدورند و این یک ضعف استراتژیک است.

وظایف کنونی

- نباید به خاطر برتری موقت دشمن ناامید شویم.
- باید حزب را شکست‌ناپذیر کنیم و از تسلیم و خیانت پرهیز نماییم.
- مبارزه طبقاتی علیه امپریالیسم، سرمایه‌داری بوروکراتیک کمپرادور و طبقه فئودال را ادامه دهیم.
- جنگ چریکی را از طریق اقدامات کوچک و غیرمتمرکز پیش ببریم.
- از جنبش‌های مردمی برای پایان دادن به عملیات کاگار و آغاز مذاکرات صلح حمایت کنیم.

شرایط بین‌المللی

بحران اقتصادی امپریالیسم از سال ۲۰۰۸ همچنان ادامه دارد و رقابت شدید میان آمریکا، ناتو، روسیه و چین در عرصه‌های گوناگون (انرژی، صنایع نیمه‌هادی، ماشین‌های برقی و فضا) اوج گرفته است. جنگ اوکراین، اشغال فلسطین توسط اسرائیل با حمایت آمریکا، و گسترش فاشیزم نشانه‌های تشدید تضاد میان امپریالیسم و ملت‌های تحت ستم هستند.

در هند، شعار «ویکاسیت بهارت» (هند توسعه‌یافته) چیزی جز پوششی برای هندویسم فاشیستی و حاکمیت سرمایه‌داری کمپرادور نیست. این

گزارش نشست بین‌المللی

به رفقای گرامی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان !

ما با هم نشست خوبی را با مشارکت مستقیم، بیانیه‌ها و نامه‌ها، بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برگزار کردیم!

گزارش مفصل این نشست در روزهای آینده ارسال خواهد شد و تمام متن‌های سخنرانی‌ها نیز در دسترس قرار خواهند گرفت.

در حال حاضر تصمیم گرفته‌ایم:

2. «آغاز یک کارزار اضطراری طولانی‌مدت» علیه عملیات «کاگار» در میان پرولتاریا و مردم سراسر جهان — که در چارچوب آن «هیئت بین‌المللی» به هند اعزام خواهد شد.
- تا پایان ماه نوامبر، اعضای این هیئت که توسط کمیته‌ها، احزاب و سازمان‌ها معرفی می‌شوند، و همچنین تاریخ و شیوه سفر مشخص خواهند شد.

3. «برگزاری تظاهرات بین‌المللی پرولتاریا و انترناسیونالیستی» در تاریخ «۲۱ یا ۲۸ مارچ ۲۰۲۶» در یکی از شهرهای بزرگ اروپا، علیه عملیات «کاگار»، در حمایت از جنگ خلق و حزب کمونیست هند (مائوئیست).

1. «انتشار گسترده و فوق‌العاده» پیام حزب کمونیست هند (مائوئیست) به مناسبت بیست‌ویکمین سالگرد تأسیس آن، به تمام زبان‌های ممکن در اینترنت و در میان پرولتاریا و مردم، در پاسخ به «تبلیغات ننگین امپریالیسم و رژیم مودی» درباره «پایان جنگ خلق» و «تسلیم حزب».

در ماه «می ۲۰۲۶» یک نشست بین‌المللی در ایتالیا توسط «کمیته بین‌المللی حمایت از جنگ خلق هند» برگزار می‌شود تا فراخوان و برنامه‌ریزی برای این مجمع را تعیین کند.

با درود های سرخ !

«کمیته بین‌المللی پشتیبانی از جنگ خلق در هند»

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵

در صورت عدم امکان شرکت در تظاهرات اروپا، تظاهرات‌های هم‌زمانی در «آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا و ایالات متحده» برگزار خواهد شد.

تاریخ و شهر دقیق این تظاهرات بین‌المللی در ماه دسامبر نهایی و اعلام خواهد شد، و فراخوان و پوستر رسمی آن در «اول جنوری ۲۰۲۶» منتشر می‌شود.

۴. «برگزاری یک مجمع بین‌المللی مردمی ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی» که توسط رفقای هندی پیشنهاد شده است و در سال ۲۰۲۶ برگزار خواهد شد.

بیانیه مطبوعاتی

دفتر منطقه‌ای شرقی حزب کمونیست هند (مائوئیست)



تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵

هفته اعتراض تا ۸ اکتبر ۲۰۲۵ و اعتصاب یک‌روزه (بسته) در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵ در ایالت‌های بیهار-چهارکند، شمال چتیسگراه، بنگال غربی و آسام علیه کارزار سرکوبگرانه فاشیستی پلیس و ترور دولتی تحت عنوان «عملیات کاگار» [خواهد بود].

در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۵، عضو کمیته مرکزی و دفتر منطقه‌ای، رفیق سورندرا (ملقب به آنوج)، در ۷ سپتامبر رفیق رامگوپال (ملقب به گورو)، و در ۴ اکتبر رفیق رام‌نات (ملقب به گورو) به‌دست پلیس در درگیری‌های کمین و ساختگی با روایت جعلی «تسلیم شدن» به‌طور وحشیانه کشته شدند. همچنین در ۷ سپتامبر ۲۰۲۵، رفیق ود هندسا (ملقب به آمیت یا آرون) در یک درگیری جعلی کشته شد. در ۱۳ آگست ۲۰۲۵، رفیق نیلش (ملقب به اختر) در حالی که زخمی بود دستگیر شد، زیر شکنجه شدید قرار گرفت و در ۱۸ آگست ۲۰۲۵ به قتل رسید. رفقا جای کانت، گوروواراما و یامینی نیز بازداشت شده و پلیس آن‌ها را وادار به همکاری‌های ساختگی برای پوشاندن اقدامات خشونت‌بار خود کرده است.

دفتر منطقه‌ای شرقی حزب کمونیست هند (مائوئیست) اعلام می‌کند که هفته اعتراض تا تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۲۵ در ایالت‌های یادشده و اعتصاب سراسری یک‌روزه در ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵ برگزار خواهد شد.

شایان ذکر است که در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۵، رفیق سورندرا صاحب، عضو کمیته مرکزی حزب و دفتر منطقه‌ای شرقی، در نزدیکی منطقه سریا، چورای در بیهار-چهارکند، توسط



پلیس در درگیری جعلی کشته شد. در ۷ سپتامبر ۲۰۲۵، رفقای رامگوپال (گورو) و رام‌نات (گورو) بازداشت شده و در ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۵ در منطقه گوملا، چهارکند، در درگیری جعلی و دروغین کشته شدند. این همان رام‌نات بود که در ۴ آگست ۲۰۲۵، زمانی که پلیس رفیق آمیت هندسا (آرون) از دفتر منطقه‌ای شرقی را در درگیری جعلی کشت، حضور داشت.

در ۳۰ آگست، رفیق آمیت هندسا (آرون) همراه با یک رفیق دیگر برای انجام کاری به منطقه کول‌هان رفته بود و در راه بازگشت به ساراندا بود. در ۴ سپتامبر ۲۰۲۵، رفیق رامگوپال (گورو)، عضو کمیته مرکزی، در نزدیکی چوپاران، سریا، توسط پلیس محاصره شد. او تا آخرین نفس شجاعانه جنگید و پیامی برای بازگرداندن رفیق آرون فرستاد. با آخرین گلوله‌هایش مقاومت کرد و پس از پایان مهمات، در حالی که دلاورانه در حال نبرد بود، دستگیر شد. پلیس او را بازداشت کرد و در ۱۰ سپتامبر، او و رفیق رام‌نات هر دو در صحنه‌سازی پلیسی به قتل رسیدند.

اودای (گانش)، رفیق انیتا، و دخترش رفیق سونیتا نیز توسط پلیس بازداشت شده‌اند. بستگان رفیق سورندرا صاحب نیز بازداشت شده‌اند.

دفتر منطقه‌ای شرقی حزب کمونیست هند (مائوئیست) بار دیگر از توده‌های کارگر، دهقانان، کارگران، دانشجویان، زنان، دالیت‌ها، آدیواسی‌ها، اقلیت‌ها و روشنفکران مترقی در ایالت‌های بیهار-جهارکند، شمال چتیسگراه، بنگال غربی و آسام می‌خواهد که هفته اعتراض و اعتصاب یک‌روزه را علیه سرکوب فاشیستی پلیس و ترور دولتی با موفقیت برگزار کنند.

سخنگو

دفتر منطقه‌ای شرقی

حزب کمونیست هند (مائوئیست)

۵ اکتوبر ۲۰۲۵

توضیح: حمل و نقل شیر، سبزیجات، مطبوعات و آمبولانس‌هایی که بیماران وخیم را منتقل می‌کنند از اعتصاب مستثنی خواهند بود.

دفتر منطقه‌ای شرقی به شدت قتل‌های وحشیانه رفقا اودای (گانش) و رامگوپال (گورو) را محکوم کرده و خواستار مقاومت در برابر آن است. همچنین قتل رفیق سورندرا صاحب را به شدت محکوم می‌کند.

این دفتر از توده‌های کارگر، دهقانان، کارگران، دانشجویان، زنان، دالیت‌ها، آدیواسی‌ها (اقوام بومی)، اقلیت‌ها و روشنفکران مترقی در ایالت‌های بیهار-جهارکند، شمال چتیسگراه، بنگال غربی و آسام می‌خواهد تا برای موفقیت هفته اعتراض و اعتصاب یک‌روزه علیه سرکوب فاشیستی پلیس و ترور دولتی تلاش کنند.

ما می‌دانیم که در این نظام فاشیستی، دموکراسی فقط در نام وجود دارد، در حالی که در عمل، بهره‌کشی فئودالی-استعماری حاکم است. هیچ مرزی برای سرکوب پلیسی و ترور دولتی وجود ندارد. دفتر منطقه‌ای شرقی حزب کمونیست هند (مائوئیست) قتل‌های وحشیانه رفقا سورندرا صاحب، رامگوپال، رام‌نات، آمیت و نیلش را به شدت محکوم می‌کند و بر لزوم موفقیت کارزار اعتراض و اعتصاب یک‌روزه تأکید دارد.

پس از قتل رفقا سورندرا صاحب و رامگوپال، شدت سرکوب فاشیستی و ترور دولتی افزایش یافته است. همسر رفیق



c/o Via Birreria 19 / 6503 Bellinzona / Tel. 0793746880
www.partitocomunista.ch / info@partitocomunista.ch

به همه احزاب برادر و خواهر
بلینتسونا (سوئیس)

دعوتنامه بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست (سوئیس)

بودیم — هیأتی از حزب شما را برای حضور در کنگره دعوت کنیم. با این حال، به عنوان نشانه‌ای از اراده مشترک ما برای مبارزه همبستگی علیه امپریالیسم و جنگ، و برای صلح، همکاری و عدالت اجتماعی، مایل هستیم در جریان کنگره، بخش بین‌المللی اختصاص داده و نامه‌ای از جانب حزب شما را برای حضار قرائت کنیم.

از این رو بسیار سپاسگزار خواهیم بود اگر پیامی از سوی حزب خود برای ما ارسال نمایید.

به دلایل فنی، خواهشمندیم نامه خود را تا تاریخ ۲۵ اکتبر ایمیل فرمایید. برای هرگونه پرسش سازمانی، می‌توانید (حتی از طریق چت) با شماره واتساپ ما نیز به تماس شوید.

با درودهای رفیقانه

حزب کمونیست سوئیس

ماسی میلیانو آئی، دبیرکل حزب

۱۴ اکتبر ۲۰۲۵

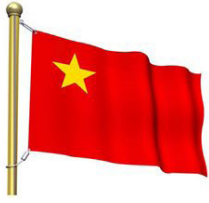
رفقای گرامی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان،

با خرسندی به آگاهی شما می‌رسانیم که بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست سوئیس در تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۲۵ در مرکز مدنی آربدو-کاستیونه در جنوب سوئیس برگزار خواهد شد.

آخرین کنگره ما در سال ۲۰۲۱ برگزار شد و از آن زمان، حزب ما از نظر سازمانی و فعالیتی رشد چشمگیری داشته است — از یک سو، با رسیدن به ۱۷ نماینده منتخب در سطح شهرداری‌ها و تثبیت دو عضو در پارلمان جنوب سوئیس، و از سوی دیگر با پیشرفت قابل توجه در فعالیت‌های اتحادیه‌های بخش دولتی و تقویت کار ما در میان دانشجویان.

با توجه به خطرات فزاینده جنگ و گرایش خطرناک دولت ما [سوئیس] به سوی سیاست‌های طرفدار بلوک آتلانتیک (ناتو)، اکنون ضروری است که حزب ما دوباره سازماندهی شود. از همین رو، عنوان کنگره امسال ما «صلح، کار، بی‌طرفی» انتخاب شده است.

متأسفانه به دلیل محدودیت‌های مالی، نمی‌توانیم — هرچند مایل



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



به حزب کمونیست سوئیس !

رفقای عزیز،

دروود گرم و انقلابی ما را پذیرا باشید.

دعوتنامه شما تحت عنوان «بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست (سوئیس)» به امضای دبیرکل حزب رفیق ماسی میلیانو آی، (Massimiliano Ay) به دست ما رسید. ضمن تبریک و تهنیت به آمادگی حزب کمونیست سوئیس جهت برگزاری بیست و پنجمین کنگره‌ی حزبی آرزوی موفقیت برای همه رفقا را داریم و امیدواریم که این کنگره راه گشای مسیری برای قدرت گیری پرولتاریای سوئیس و منجر به انقلاب سوسیالیستی گردد.

ضمناً، طبق اجندای مطروحه کنگره شما در بخش مسائل بین المللی اینک پیشنهادات خود را خدمت تان ارسال میداریم تا از طریق شما قرائت گردد:

پیشنهادهای ما به بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست سوئیس:

که حزب کمونیست سوئیس بر ضرورت تحلیل علمی جامعه و مبارزه طبقاتی از دید مارکسیزم - لنینیزم علمی تاکید دارد و سیاست بی طرفی "واقعی" را میخواهد طوری بیان دارد که سوئیس نباید به ائتلاف های نظامی امپریالیست های غربی بپیوندد. شعار عدالت اجتماعی و دموکراسی بخاطر کارگران و دفاع از حقوق آنان، دفاع از حقوق مهاجرین، دانشجویان و باز توزیع ثروت در آن کشور را طرح می دارد و مخالف جنگ های نیابتی و سیاست های مداخله گرانه امپریالیست های امریکایی و اتحادیه اروپا به خاطر پشتیبانی از صلح جهانی است. حزب کمونیست سوئیس عدالت اقلیمی محیط زیست را بخشی از مبارزه طبقاتی خویش می داند.

رفقای عزیز!

ناگفته پیداست که دولت سوئیس خود را « بی طرف » میداند اما در عمل، در اقتصاد جهانی در خدمت عام و تام منافع سرمایه داری غرب به ویژه از طریق بانک ها و سرمایه گذاری های جهانی است و از نظر فرهنگی، جامعه را به سمت مصرف گرایی و فرد گرایی لیبرال منبشانه سوق میدهد.

تا جایی که دعوتنامه تان مطالعه گردید از دیدگاه مارکسیستی - لنینیستی، سوئیس نمونه ای از سرمایه داری مدرن و باثبات اما طبقاتی و نابرابر است و حزب کمونیست سوئیس تلاش دارد در دل این رفاه ظاهری، تضادهای درونی نظام را آشکار کند و با سازمان دهی طبقاتی، آموزش مارکسیستی و همبستگی بین المللی، به سوی جامعه ای سوسیالیستی و عادلانه گام بردارد.

شعار محوری بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست سوئیس با شعار «صلح، کار، بی طرفی» که بیانگر سه محوره مبارزه به ترتیب ذیل برشمرده شده است حائز تامل و دقت بیشتر است:

۱. صلح در برابر سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم غرب!
۲. کار و عدالت در برابر سرمایه داری مالی و فتیسیزم کالا!
۳. بی طرفی واقعی در برابر هم پیمانی های امپریالیستی!

رفقای عزیز!

مسائل مهم جهانی از دیدگاه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که بار بار نیز تاکید کرده ایم ایجاد یک مرکز بین المللی انترناسیونالیستی است که این مرکز تامین کننده روابط و کمک به ساختن احزاب مائوئیستی در سطح جهان است و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در هر نشست احزاب و سازمان های مائوئیستی مطرح کرده است و بار دیگر نیز بر آن تاکید می کند.

از جانب دیگر برای پیشبرد مبارزات دو خط در سطح جنبش بین المللی کمونیستی (م ل م)، مبارزه علیه سنتزهای نوین باب آواکیان، اندیشه گونزالو و راه پارچندا مبارزات جدی را میطلبد که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان درین زمینه قدم هایی را برداشته و علاقمند هستیم که در سطح جنبش کمونیستی بین المللی با جدیت پیش برده شود. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به این عقیده است که از طریق یک مرکز بین المللی کمونیستی میتوان چنین مبارزاتی را پیش برد.

به امید پیروزی های بیشترتان

دفتر سیاسی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲۵ اکتوبر ۲۰۲۵ میلادی

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com

در نتیجه، روبنای فکری جامعه سوئیس بر پایه ثبات سیاسی، رفاه فردی و ترس از تغییر انقلابی استوار است - درست همان چیزی که کارل مارکس از آن به عنوان آگاهی کاذب طبقاتی یاد نموده است. این موضوعات از جمله مواردی است که به نظر ما در بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست سوئیس باید مورد تحلیل و بررسی همه جانبه قرار گیرد.

طوری که خود بهتر می دانید بخش اعظم تولید و ثروت کشور سوئیس در دست شرکت های بزرگ مالی، داروسازی، ساعت سازی و بیمه ای است در حالیکه کارگران (اعم از بومی و مهاجرین) نیروی اصلی تولید و خدمات را تشکیل می دهند اما متأسفانه که مالک ابزار تولید نیستند؛ و در نتیجه ارزش اضافی که به بهترین وجه در کتاب کاپیتال کارل مارکس بعنوان جوهر نظام سرمایه داری تحلیل کرده است، توسط نیروی کار تولید و توسط سرمایه داران تصاحب می شود.

ناگفته نماند که جامعه سوئیس یک نظام سرمایه داری پیشرفته با چهره نرم است؛ اما در واقعیت، روابط تولیدی و مالکیت ابزار تولید همچنان در دست اقلیت کوچکی از طبقه بورژوازی است که ساختار طبقاتی سوئیس را شکل میدهد.

حزب کمونیست سوئیس در اصل مبارزه طبقاتی و سیاسی را قبول دارد اما نه بر محور مبارزه و انقلابات قهری پرولتری، که این خود تخطی از اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی است. در حالی که دیدگاه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بیشتر متکی بر محور مبارزات قهری پرولتری متمرکز است. تاکید ما روی قدرت گیری پرولتاریا از طریق قهر انقلابی و ایجاد دولت سوسیالیستی در سوئیس هست. زیرا بدون انقلاب قهری تحت رهبری پرولتاریا، هرگز نمیتوان به سوسیالیزم رسید.

جنگ خلق و نظامی شدن حزب انقلابی

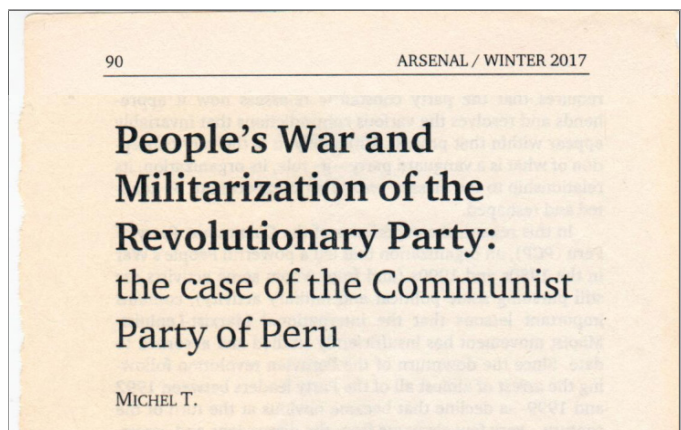
در مورد حزب کمونیست پرو

(اسپانیایی: Peruano Comunista Partido، مخفف PCP)

نشریه تئوریک «آرسنال»: زمستان ۲۰۱۷ (صفحات ۸۹ - ۱۰۳)

ترجمه: حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

میشل تی.



احزاب کمونیستی که بر اساس راهبرد انقلابی پایبند هستند و عملکرد خود را منطبق می‌کنند - یعنی آنهایی که هدف نهاییشان سرنگونی قهرآمیز طبقه‌ای توسط طبقه دیگر است - لزوماً با چالش آماده‌سازی و سازماندهی این رویارویی روبرو هستند. این امر مستلزم توسعه مفاهیمی خاص است که پاسخگوی پرسش‌های مختلفی است که این مسئولیت را مطرح می‌کند: توسعه ظرفیت‌های نیروهای انقلابی. رابطه میان سازمانی‌ای که رهبری سیاسی انقلابی (حزب) را مجسم می‌کند و بر عهده دارد و فعالیت نیروهایی که این رویارویی را در تمام مراحل توسعه حمایت و تحقق می‌بخشند. رابطه بین فعالیت آگاهانه و خاص نیروهای سازمان یافته انقلابی و کنش و رفتار انقلابی گسترده تر توده‌ها در مقابل دستگاه دولتی؛ و غیره.

مسئولیت تمام این چالش‌ها، از توسعه مفاهیم کلی و خاص گرفته تا تبدیل آنها به فعالیت عملی، لزوماً حزب پیش‌تاز را به سمت تغییراتی در نحوه سازماندهی خود سوق می‌دهد. همچنین مستلزم آن است که طرف دائماً نحوه درک و حل تناقضات مختلفی را که همواره در آن فرآیند ظاهر می‌شوند، مجدداً ارزیابی کند. در نهایت، این همان مفهومی است که یک حزب پیش‌تاز چیست - نقش آن، سازمان آن، رابطه آن با توده‌ها و غیره - که انتظار می‌رود تطبیق داده شود و دوباره شکل بگیرد.

در این راستا، تجربه حزب کمونیست پرو (PCP) و سازمانی که جنگ قدرتمند خلق را در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رهبری کرد (و برخی از فعالان سیاسی و نظامی هنوز آنها را دنبال می‌کنند)، حاوی درس‌های مهمی است که [دربین] جنبش بین‌المللی مارکسیست-لنینیست-مائوئیست تا به امروز به اندازه کافی مطالعه و جذب نشده است. از زمان سقوط انقلاب پرو به دنبال

دستگیری تقریباً همه رهبران حزب بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۹ - کاهشی که در آغاز قرن آشکار شد - عناصر بسیار کمی از بحث‌ها و ارزیابی‌هایی که ممکن است در میان حزب کمونیست چین صورت گرفته باشد. فعالان و سازمان‌ها در خارج از صفوف حزب در دسترس قرار گرفتند، جدا از حدس و گمان‌هایی که از طریق پلیس، دادگاه‌ها یا «سندرو لوژیست‌ها» مربوط به دستگاه آمار پرو، فیلتر شده بود.

این مقاله قصد ندارد چنین ارزیابی و تحلیل را ارائه دهد، که عمدتاً در انحصار انقلابیون پرو، باقی مانده است و در هر صورت بسیار فراتر از توانایی‌های ما خواهد بود، بلکه به طور متواضعانه‌تر، یادآوری می‌کند که «تصور حزبی» حزب کمونیست پرو، و سرنخ‌هایی ارائه می‌کنند که چگونه و تا چه اندازه رویکرد آنها به گسترش جنگ خلق کمک کرده است. اما ابتدا، اجازه دهید به طور خلاصه اهمیت جنگ خلق‌ها در پرو را در زمینه اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ یادآوری کنیم.

برخورد رعد و برق علیه رویزیونیزم و کاپیتولاسیون

در ۱۷ مه ۱۹۸۰، پس از سالها آمادگی ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی، حزب کمونیست پرو به رهبری ابیمال گوزمان (که بیشتر به عنوان «صدر گونزالو» شناخته

برنامه حمایت شده ضد ترور رسماً به آغوش آن کشیده می‌شوند...^(۳)

در گزارش بعدی که به طور خاص به فعالیت های شهری حزب کمونیست چین می پردازد، همان محقق اضافه کرد که برخلاف تصویری که از سال های اول جنگ خلق که اقدامات چریک ها عمدتاً در بخش روستایی انجام می شد، آشکار بود. موفق شده بود «پایگاه پایدار حمایت مردمی» را در پایتخت، «با حمایت یک سازمان توسعه یافته و مردمی» که قادر به بسیج «عناصر پایه کار سازمان یافته شهر» است، ایجاد کند.^(۴)

این تحول غیرعادی - جنگ خلق در حال پیشرفت که توسط یک حزب مائوئیست که آشکاراً از کمونیسم حمایت می کرد، آغاز و رهبری می شد - در شرایطی رخ می داد که بورژوازی و امپریالیست ها «پایان تاریخ» را اعلام و جشن می گرفتند. به یاد داشته باشید که پس از مرگ مائوتسه دون در سال ۱۹۷۶ و پیروزی راهداران سرمایه داری در چین، جنبش کمونیستی جدید که در پی مبارزه بزرگ مائو و حزب کمونیست چین علیه رویزیونیسم و کنار گذاشتن انقلاب به وجود آمد. توسط رهبران شوروی - جنبشی که حزب کمونیست چین بخشی از آن بود - با یک بحران عمیق مواجه بود و عملاً ناپدید شده بود. در همین حال، رویزیونیست هایی که هنوز با عنوان نادرست، چیزی را که برخی «سوسیالیسم واقعی موجود» نامیده اند، نمایندگی می کردند، وارد مرحله نهایی می شدند که منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ می شد.

در این شرایط دشوار، نبردی که حزب کمونیست چین آغاز کرد، مشروعیت انقلاب و به ویژه ارتباط و اعتبار پروژه کمونیستی و ایدئولوژی آن را به شدت و به طور چشمگیری تأیید کرد. بنابراین، همانطور که در جای دیگر نوشته ایم: «نزدیک به ۲۰ سال است که جنگ خلق به رهبری حزب کمونیست چین، چراغ راه و مرجعی برای هزاران مظلوم مشتاق انقلاب بوده است».

اینجا در کانادا، جنگ خلق پرو به طور مثبت تحت تأثیر هسته انقلابی بود که مبارزه طولانی برای بازسازی یک حزب پیشتاز اختصاص داده شده به انقلاب بود. در تابستان ۱۹۹۲، چهارمین کنگره گروه سوسیالیست های عملگرا، قطعنامه ای را در حمایت از حزب کمونیست پرو، به تصویب رساند.^(۵) که آغاز کارزار گسترده تبلیغات و بسیج در حمایت از جنگ خلق بود:

می شود) آغازگر جنگ خلق شد. در آستانه انتخابات سراسری، گروهی از مبارزان صندوق های رای را در روستای چوسچی در ولایت ایاکوچو تصرف کردند و آنها را به آتش کشیدند و این نشان دهنده آغاز جنبشی بود که نظم ارتجاعی حاکم بر آن کشور را متزلزل می کرد. ایجاد ترس در قدرت های بزرگ امپریالیستی.

سی سال بعد، پس از آنکه جنبش آغاز شده توسط حزب کمونیست چین با شکست جدی مواجه شد و رسانه های بورژوایی دیگر مانند دهه ۱۹۹۰ به آنها توجهی نداشتند، در محیط نهادی «چپ» خوار شمردن چیزی که هنوز با نام «مسیر درخشان» معرفی می شود.^(۱)

ارتجاع پرو و امپریالیسم ایالات متحده، به هر حال قدرت و سرزندگی حزب و جنبشی را که آن را آغاز کرده بود، درک می کردند، همانطور که در این مقاله و همچنین مقاله منتشر شده در ماه مارچ ۱۹۹۲، در نیویورک تایمز که نظرات دولت آگاه آن زمان را خلاصه می کند، نشان می دهد. محافل در مورد پرو:

در کنگره، وزارت امور خارجه، سازمان آمار آمریکا و تحقیقات خصوصی و سازمان های حقوق بشر، این حس در حال افزایش است که حرکت شگفت انگیزی که توسط شورش راه درخشان در پرو نشان داده شد، سخت ترین آزمون سیاستی پس از جنگ سرد در افق نیمکره غربی است..^(۲)

گزارش جالبی که دو سال قبل توسط شرکت رند (مرکز تحقیقاتی ایجاد شده پس از جنگ جهانی دوم که به «رفاه عمومی و امنیت ایالات متحده» اختصاص داشت و توسط وزارت امور خارجه کنترل می شد) منتشر شد، تأثیر ده مورد اول را به این مضمون برانگیخت. سال های جنگ خلق و چالشی که برای دولت پرو و منافع غرب ایجاد کرد:

تأثیر سندرو بر جامعه پرو هم افزایی بوده است. [...] هزینه کمپاین چریکی به تنهایی در خسارات اقتصادی حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است. [...] سندرو نه تنها به فروپاشی سیاسی و اقتصادی کشور کمک کرده است، بلکه این افول مسیر درخشان را با حامیان جدید، مسائل جدید و فضای نارضایتی فراهم کرده است. [...] اگر همانطور که پیشنهاد کرده ام، شبکه سیاسی جنبش بسیار گسترده تر از تعداد حملات آن باشد، احتمالاً Sendero از قبل دارای پایگاه سازمانی لازم برای در آغوش گرفتن کسانی است که توسط یک

وضعیت نیمه فئودالی و نیمه استعماری نپال است.. در این زمینه بدیهی است که تجربه حزب کمونیست پرو، برای ما بسیار مهم بوده و خواهد ماند.»^(۸)

ما باید به‌ویژه یادآوری کنیم که حزب کمونیست پرو اولین حزبی بود که مائوئیسم را به‌عنوان نظام‌بندی جدید علم انقلاب پرولتاریا مطرح کرد. مبارزه‌ای که آنها بر سر این مسئله در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (RIM)^(۹) و به‌طور گسترده‌تر در جنبش بین‌المللی کمونیستی به راه انداختند، باعث شده است که بسیاری از احزاب و سازمان‌ها به مائوئیسم روی بیاورند و از آن حمایت کنند و با تکیه بر آن سیاست‌ها و عملکرد خود را گسترش دهند.

در نهایت، همانطور که در بالا ذکر شد، پس از دستگیری ابی‌میل گوزمان^(۱۰) در سال ۱۹۹۲ و بسیاری از اعضای رهبری مرکزی حزب کمونیست پرو در سال‌های پس از آن (بدون ذکر استقرار جنگ خونین ضد شورشی که توسط دولت پرو با حمایت دولت پرو انجام شد. امپریالیسم ایالات متحده علیه بخش‌هایی از توده‌ها که حزب کمونیست پرو بهترین حمایت خود را تجربه کرد) چیزی که رهبر حزب کمونیست پرو در ابتدا آن را «تنها یک پیچ در جاده» می‌نامید، بسیار بیشتر از این‌ها ثابت شده است.

پیروزی - یک پیروزی نسبی مانند هر پیروزی - که توسط دولت پرو به دست آورد، مطمئناً مستلزم ارزیابی جامع از این تجربه قابل توجه است. این واقعیت که هنوز چنین ارزیابی از سوی مائوئیست‌های پرو و یا جنبش بین‌المللی مائوئیستی ارائه نشده است، نمی‌تواند سهم حیاتی فرآیندی را که در دهه‌های ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ آشکار شد، محو یا کاهش دهد.

جنگ خلق و نظامی‌سازی حزب:

آماده‌سازی و راه‌اندازی جنگ خلق آشکارا فرض می‌کرد که تجربه پرو، به‌ویژه در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر سازمان و عملکرد حزب و در نهایت بر تصور آنچه حزب پیشتر اختصاص به انقلاب است محک می‌زند. مجموعه‌ای از متون جمع‌آوری‌شده در کتابچه‌ای که در سال ۱۹۸۰ توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو منتشر شد،^(۱۱) مبارزات خطی را که حزب قبل از شروع مبارزه مسلحانه پشت سر گذاشته بود، بازگو می‌کند.

امروز در حالی که هنوز باید راه را برای ایجاد احزاب کمونیستی انقلابی در کشورهای اصلی امپریالیستی باز کنید. در حالی که نیاز به توضیح واضح و آموختن از تجربیات گذشته وجود دارد که مسیر انقلاب چیست و چگونه یک انترناسیونال کمونیستی برای فرض کامل توسعه و پیروزی انقلاب جهانی ضروری است. در حالی که اپورتونیزم راست در سازمان‌هایی که مدعی رهبری کارگران و دهقانان به قدرت هستند، همه کاره باقی می‌ماند: پیشرفت‌های جنگ خلق در پرو و انقلاب به رهبری حزب کمونیست چین هم برای کمونیست‌ها در سراسر جهان که در حال افزایش خود هستند از اهمیت بالایی برخوردار است. پس از مواجهه با شکست‌های مهم، و برای توده‌های تحت ستم قاره آمریکا، آفریقا، آسیا و اروپا [...] تجربه انقلاب در پرو به‌ویژه در مورد ناهماهنگی عملی و ناتوانی تاریخی رفرمیسم و اپورتونیزم در ارائه به جهان آموزنده است. طبقه کارگر و دهقانان فقیر ثمره مبارزات آنها، هرچند طولانی و پرهزینه در زندگی انسان‌هاست. [...] در کانادا، ما باید از مه فعلی خارج شویم و دیدگاهی انقلابی را بپذیریم که بتواند سرمایه‌داری و امپریالیسم کانادا را به چالش بکشد. حمایت از حزب کمونیست چین می‌تواند به ما کمک کند تا به این مسیر انقلابی برسیم و برتری آن را بر همکاری طبقاتی، اصلاح طلبی و اپورتونیزم که برای مدت طولانی به آنها دست بسته است را به کارگران نشان دهیم.^(۶)

این کار همبستگی و روند مطالعه روند انقلابی که در پرو در حال گسترش بود به بحث‌های زیر کمک کرد که در آن سوسیالیست‌های عملگرا، مائوئیسم را پذیرفت و جریان راست اپورتونیزم را که سعی در تحمیل یک خط اصلاح‌طلب و انتخاباتی داشت کنار زد.^(۷)

تأثیر جنگ خلق پرو نیز در سراسر جهان در میان نیروهایی که می‌جنگیدند تا مبارزه برای کمونیسم و انقلاب را در پیش‌زمینه قرار دهند، احساس شد. انقلابیون نپال، به‌ویژه، این واقعیت را پنهان نکردند که تجربه پرو بر تصور، آماده‌سازی و استقرار جنگ خلق که در فبروری ۱۹۹۶ آغاز شد، تأثیر گذاشت:

«با درک اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم، حزب ما، (مرکز وحدت)، بر اساس استراتژی محاصره شهر از روستاها، برای انجام انقلاب دموکراتیک نوین و برای ایجاد تغییرات در تدارک جنگ طولانی مدت خلق

تاریخ مارچ ۱۹۸۰، یکی با عنوان *a Comenzamos Aurora la Desplegar a y Muros los Derrumbar* («ما شروع به فرو ریختن دیوارها و گشودن یک طلوع جدید کردیم») آشکاراً مقاومت - در برخی موارد مخالفت برخی رهبران قبل از شروع مبارزه مسلحانه - و وجود یک روند «پاکسازی» را تداعی می کند. که صفوف حزب از آن عبور کرده است. این سند همچنین از تصمیم متفق القول و اتفاق آراء کمیته مرکزی «برای گسترش نظامی سازی حزب از طریق اقدامات لازم» گزارش می دهد.

حزب کمونیست پرو به مناسبت اولین مدرسه نظامی خود که چند هفته پس از سند فوق برگزار شد، تکرار کرد که «بخشی از نوع جدید» است که هدف آن «تسخیر قدرت برای طبقه کارگر و مردم» است. بر اساس گزارش ارائه شده در این جلسه، تصمیم به مبارزه مسلحانه، تضاد جدیدی را بین «کهنه در مقابل جدید» در حزب ایجاد کرد.

گسترش حزب و دستاوردهای قدیمی ما تا به امروز، از طریق مبارزات مسلحانه از جمله دستاوردهای خوب و دستاورد جدید است. حتی بهترین دستاوردهای ما پیر شده است [...] تنها یک چیز جدید وجود دارد، گسترش حزب از طریق مبارزه مسلحانه. امروز، این تناقض ماست. (۱۲)

با شعار «جعل اولین گروهان در عمل» از فعالان حزب خواسته شد که اولین گروهان مسلح را تشکیل دهند که اقدامات مندرج در طرح آغازین را انجام دادند. افزایش تعداد و شدت اقدامات چریکی، انباشت تجربه و افزایش ظرفیت های این گروهان، در نهایت امکان ایجاد یک دستگاه نظامی جداگانه را فراهم کرد. در اوایل سال ۱۹۸۵، کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو به طور علنی وجود یک ارتش چریکی خلق «متشکل از هزاران مبارز» را گزارش داد. (۱۳) بنابراین، حزب کمونیست پرو در حال اجرای جهت گیری بود که بیست سال پیش از آن توسط جناحی به رهبری ابی مائیل گوزمان که در دهه ۱۹۶۰ پیشنهاد کرده بود «برای ساختن سه سلاح جادویی انقلاب بجنگند: حزب، نیروهای مسلح و جبهه متحد» (۱۴)

از این رو، تصورات حزب کمونیست پرو، کاملاً با تصورات مائوتسه دون مطابقت داشت و باقی ماند. آنها هرگز مفهوم «حزب کمونیست مبارز» را که سازمان های حامی مبارزه مسلحانه در اروپا در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تأیید و به کار بردند، حمایت نکردند. (۱۵)

طبق نظر حزب کمونیست چین، ارتش خلق باید یک دستگاه جدا از حزب باشد، هرچند که تحت رهبری آن قرار گرفته است. گفتنی است، این واقعیت باقی است که در زمان شروع جنگ خلق در سال ۱۹۸۰، اولین اقدامات چریکی در عمل توسط فعالان حزب انجام شد. در نهایت از این اقدامات و از اولین دسته ها بود که دستگاه نظامی تشکیل شد. سپس این دستگاه به خودی خود به وجود آمد و از مبارزان خود که از توده ها و نه لزوماً از حزب می آمدند، استخدام کرد.

بنابراین به نظر می رسد که حزب کمونیست چین هرگز نظامی سازی حزب را با برخی ادغام سازمانی فعالیت های سیاسی و نظامی، و حتی کمتر با ادغام حزب با دستگاه نظامی اشتباه نگرفت. در سندی که در سال ۱۹۸۶ منتشر شد، آنها بیشتر این تعریف را از نظامی کردن حزب ارائه کردند:

به طور مشخص [...] ما نظامی سازی حزب را به عنوان مجموعه ای از دگرگونی ها، تغییرات و تعدیل های لازم برای رهبری جنگ خلق، همانطور که آنها از مبارزه و ایجاد دولت جدید و دیکتاتوری مشترک که جامعه را متحول می کند و حکومت را جایگزین امپریالیزم، سرمایه داری بوروکراتیک و نیمه فئودالیزم با جمهوری دموکراتیک نوین خلق می سازد، می دانیم.... (۱۶)

بنابراین، نظامی سازی حزب، اجرای تمام آنچه برای رهبری جنگ خلق لازم است، می باشد. هم دارای یک جزء عینی و هم یک جزء ذهنی است. نظامی کردن حزب در درجه اول اثر اجتناب ناپذیری است که بر واقعیت و زندگی حزب از طریق استقرار فعالیت های نظامی ایجاد می شود - لحظات یا رویدادهای رویارویی مسلحانه با دشمن طبقاتی و نهادهای دولت بورژوازی، حتی اگر فقط در مقیاس محدود این واقعیت جدید لزوماً «تحولات، تغییرات و تعدیل» را به سازمان حزب (از جمله مسائلی مانند امنیت، مخفی کاری، انضباط داخلی و غیره)، به فعالیت های سیاسی آن (روابط آن با توده ها، رهبری که بر سازمان های توده ای اعمال می کند، تحمیل کرد. توانایی آن در انتقال و دفاع از اقدامات چریک ها) و اینکه چگونه می خواهد فعالان خود را از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی آموزش دهد و آنها را در کارهای سیاسی و توده ای به کار ببندد.

اما نظامی سازی حزب نیز - شاید بیشتر - مستلزم به عهده گرفتن آگاهانه مسئولیت و فرض کامل همه این دگرگونی ها،

تغییرات و تعدیل‌هاست؛ این امر مستلزم پیش‌بینی و اجرای آن‌ها است تا حزب آن تغییرات را کنترل و تسلط داشته باشد. در نهایت، این همان چیزی است که مائوئیست‌ها می‌گویند که «حزب کمونیست باید اسلحه را کنترل کند». این دقیقاً به معنای تسلیم سازمانی ارتش به حزب به معنای صرفاً تصمیمی، ایجاد یک سیستم پاسخگویی یا مشارکت کمیته‌های حزبی در ارتش نیست. همچنین به این معناست که حزب اجازه نمی‌دهد توسط هوس‌بازی‌ها عملیات نظامی رهبری شود.

این رابطه بین حزب و ارتش در نهایت توسط حزب کمونیست چین در آنچه که **ساخت متحدالمرکز سه ابزار انقلاب**،^(۱۷) یعنی «تحقق سازماندهی نظامی‌سازی حزب» نامیدند، روشن و ترکیب شد. این ساختار متحدالمرکز توسط حزب کمونیست چین توصیف شد: «حزب را به عنوان محور همه چیز در نظر بگیرید، ارتش را حول آن بسازید و با این ابزار، با توده‌ها در جنگ خلق، دولت جدید را بر اساس هر دو بسازید».

واضح است که حزب کمونیست چین از راه اندازی سه دستگاه مجزا حمایت می‌کرد، که دو تای آنها - ارتش و دولت نوین - حول محور حزب می‌چرخیدند و به معنای واقعی کلمه توسط آن «گرداندگی می‌شد». بر اساس این تصور، فعالیت مبارزان حزبی قرار بود به سمت ارتش و ساختمان دولت جدید مستقر شود. در ساخت این دولت جدید، کار توده‌ای قرار بود «در جنگ خلق و برای آن» گسترش یابد. ساخت متحدالمرکز سه ابزار انقلاب مستلزم آن بود که عملگرایان بتوانند مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده بگیرند، به گونه‌ای که «قبل از هر چیز، به عنوان کمونیست، و هم به عنوان مبارز و مدیر» تربیت شوند.

حزب کمونیست چین در اسنادی که به مفهوم «نظامی‌سازی حزب» اشاره می‌کند، همیشه بر اهمیت توسعه سیستماتیک مبارزه دو خطی در درون حزب تأکید می‌کند. این مبارزه حتی به عنوان یک وظیفه ضروری رهبری مطرح می‌شود، «زیرا تنها از طریق آن است که حزب و سازمان‌های جنگ خلق می‌توانند توسعه پیدا کنند». این به دور از تصور یکپارچه حزب است که مفهوم «نظامی‌سازی» ممکن است در نگاه اول حداقل برای برخی القا شود.

هشت سال پس از آغاز مبارزات مسلحانه، حزب کمونیست چین به این نتیجه رسید که «نظامی کردن

حزب بود که ما را قادر ساخت جنگ خلق را آغاز و گسترش دهیم». به نظر می‌رسد که رشد چشمگیر جنگ خلق در طول دهه ۱۹۸۰ و تا اواسط دهه ۱۹۹۰ حقانیت آنها را ثابت می‌کند. اما در مورد دوره‌ای که پس از دستگیری ابی‌مائیل گوزمان و دیگر رهبران حزب که با کاهش مداوم فعالیت‌های چریکی و نفوذ حزب همراه بود، چه می‌توان گفت؟

دلایل پشت «خم در جاده»

همانطور که در بالا ذکر شد، پیچ جاده‌ای که توسط صدر حزب کمونیست پرو، در سال ۱۹۹۲ برانگیخته شد، در نهایت ثابت شد که یک شکست واقعی - اگر نه یک شکست کامل - باشد. تا آنجا که ما می‌دانیم، هیچ یک از گروه‌هایی که به نوعی به فعالیت از طرف حزب کمونیست پرو، یا حمایت از «اندیشه گونزالو» ادامه می‌دهند، به طور علنی درباره آنچه اتفاق افتاده و دلایل این نزول ایدئولوژیک، ارزیابی نکرده‌اند.

برخی به انتقال سریع از حالت تدافع استراتژیک به تعادل استراتژیک اشاره کردند که به طور رسمی توسط حزب کمونیست پرو، کمی قبل از دستگیری گوزمان اعلام شد. آیا حزب ظرفیت‌های خود و دو ابزار دیگر تحت رهبری خود را بیش از حد ارزیابی کرد؟ آیا آنها به درستی توازن نیروهای را که واقعاً وجود داشت ارزیابی کردند؟ آشکار شدن یک جنبش توده‌ای مانند جنگ خلق نه تنها به شعارها و تصمیماتی که رهبری آن می‌تواند ارائه دهد بستگی دارد؛ بلکه پیچیده‌تر از نگه داشتن یا کشیدن تسمه در حین اسب سواری است. در هر طرف، نیروهایی که با جنگ خلق به حرکت در می‌آیند، عمل می‌کنند و در نتیجه پویایی جدیدی ایجاد می‌کنند و ممکن است زمانی فرا رسد که موقعیت جدیدی به وجود آید - یا توسط دشمن تحمیل شود - بدون اینکه همه شرایط ایده آل برای مقابله با چنین وضعیتی درجا، وجود داشته باشد. بنابراین ممکن است گذار به تعادل استراتژیک در پرو هم اجتناب ناپذیر بوده و هم تسریع شده باشد.

به دنبال اتوگلف ۵ اپریل ۱۹۹۲ («کودتای خودکار») به رهبری رئیس‌جمهور آلبرتو فوجیموری که با کمک نیروهای مسلح و حمایت فعال امپریالیزم ایالات متحده، عملیات ضدانقلابی گسترده‌ای را در مقیاسی بی‌سابقه آغاز کرد. تردید در توسل به ترور و کشتار دسته جمعی.

را از سازمان های توده‌یی آن که توانستند علیرغم سر بردن رهبری آن در اجرای طرح حزب پافشاری کنند نشان داد و فضای وسیعی را برای خودمختاری و ابتکار ایجاد کرد.

سکته مغزی نابغه‌ای که در پاییز ۱۹۹۳ توسط مشاور سیاسی اصلی فوجیموری و رئیس وقت سرویس اطلاعاتی آن، ولادیمیر مونتیه سینوس، اعدام شد، در به دست آوردن و انتشار نامه ای با امضای ایمال گوزمان بود که خواستار توقف مبارزه مسلحانه بود. این امر منجر به تأثیر مخرب مورد نظر رژیم شد، به ویژه پس از دستگیری رهبران دیگر حزب مانند مارگی کلاوو در سال ۱۹۹۵ و اسکار رامیرز («فلیسیانو») در سال ۱۹۹۹، که هر دو نامه را به عنوان یک «فریب» محکوم کرده بودند، اما علناً تغییر کردند. پس از اینکه گوزمان توسط خود گوزمان سرزنش شده بود، ذهن آنها را مورد سرزنش قرار داد.

در این راستا، به نظر می‌رسد که تصور حزب کمونیست چین از جفاتورا - که باید از نظامی‌سازی حزب متمایز شود - نقش مهم‌تری در پراکندگی فعالان سازمان و فرسایش نفوذ آن داشته است. باید گفت که این تصور که خطاناپذیری رهبر واحدی را که مظهر انقلاب است، فرض می‌کرد، در میان چپ‌های آمریکای لاتین به طور گسترده مشترک است. در صفوف حزب کمونیست پرو، این تعهد به شکل رسمی توسط اعضای حزب تکرار شد: «ما که پیرو مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم، اندیشه گونزالو هستیم، خود را تابع صدر گونزالو می‌کنیم و اندیشه گونزالو را مجسم می‌سازیم.» (۱۹)

بنابراین، هنگامی که مشخص شد که گوزمان به احتمال زیاد نویسنده نامه های صلح است، بسیاری خود را با دیدگاه نامه ها هماهنگ کردند، در حالی که کسانی که مایل به ادامه راه جنگ خلق هستند، نتوانسته اند راهی برای رسیدن به آن بیابند. دیدگاه های سیاسی حزب را تجدید کنند و رهبری جدیدی را برای آن فراهم نمایند که بتوانند ابتکار عمل را دوباره به دست گیرند.

با این حال، شکست جنگ خلق پرو از اهمیت و کیفیت کمک های آن - از جمله کمک های رهبر اصلی آن - نمی‌کاهد. در پس تحقیر برخی افراد نسبت به حزب کمونیست پرو، می‌توان رد هرگونه مبارزه انقلابی برای تسخیر قدرت را دید. آن دسته از «چپ‌ها» که به خوبی در جامعه بورژوایی ادغام شده‌اند و افق سیاسی‌شان در جایی متوقف می‌شود که قانون بورژوایی حدود آن

در چنین شرایطی، ایجاد یک «عقب نشینی استراتژیک» و تمرکز بر تحکیم و مدیریت مناطق پایگاه خود لزوماً گزینه ای برای حزب کمونیست پرو، نبود، زیرا نیروهای آن همچنان مجبور بودند با استقرار ضد شورش روبرو گردند و درگیر جنگ های شدید شوند. رویارویی های سطحی، نه تنها در مناطق شهری، بلکه در روستاها، جایی که رژیم از قبل شروع به اجرای استراتژی «جنگ توده ها علیه توده ها» کرده بود.

کنترل پیشرفت جنگ خلق در مرحله دفاع استراتژیک و عبور از تعادل استراتژیک در زمانی که شرایط برای چنین عبوری ایجاد می‌شود، چالش استراتژیک بزرگی را برای هر جنبش انقلابی نشان می‌دهد، همانطور که در پرو و همچنین ده ها سال بعد در نیپال دیده ایم. جنگ خلق با مشکل مشابهی مواجه شد (و جایی که بیش از پرو «عقب نشینی استراتژیک» که توسط رهبری حزب مائوئیست تصمیم گرفت نتوانست دستاوردهای انقلاب را حفظ کند).

با این وجود، به نظر می‌رسد انتقال مرکز ثقل حزب از روستاها به شهرها - حتی فقط یک شهر - در خدمت منافع حزب کمونیست چین نبوده است. شناسایی و بعداً دستگیری گوزمان و اکثریت رهبری حزب در حالی که همه با هم در یک ساختمان در لیما زندگی می‌کردند یک پیروزی واقعی برای رژیم بود.

برخی استدلال می‌کنند که مفهوم «نظامی‌گرایانه» حزب کمونیست پرو با کاهشی که پس از دستگیری‌های سال ۱۹۹۲ با آن مواجه می‌شوند ارتباط دارد: این نویسنده با این نظر موافق نیست.

فقط باید به گزارش‌های شرکت رند که در بالا ذکر شد (یا مستندی با عنوان «خلق مسیر درخشان» که توسط روزنامه‌نگاران لیبرال ساخته شده و در همان دوره توسط ایستگاه تلویزیونی کانال چهار بریتانیا پخش شد را تماشا کرد. (۱۸)

جنگ به‌عنوان اصلی‌ترین راه مبارزه برای تسخیر قدرت، با اهداف سیاسی هدایت می‌شد و در دل مبارزات توده‌ای لنگر انداخته بود.

تداوم و حتی تشدید اقدامات چریکی در سال (و حتی سه سال) پس از دستگیری گوزمان و دیگر رهبران حزب کمونیست چین نیز توانایی ها و ویژگی های آن حزب

را مشخص می‌کند، علاقه چندانی به جنبشی مانند جنبشی که حزب کمونیست پرو آغاز کرد و در طی نزدیک به دو دهه شکل گرفت، که اساساً توده‌های بی‌ارث را بسیج کرد اما شکست خورد، برای جلب توجه مفسران حمایت شده جنبش های اجتماعی در محیط دانشگاهی ندارند.

کسانی که انقلاب برای آنها - یعنی پرتاب خشونت آمیز یک طبقه توسط طبقه دیگر - مظهر جنبشی است که استثمار شدگان و ستم‌دیدگان را در سراسر جهان رها می‌کند، همچنان از تجربه انقلابی حزب کمونیست پرو دفاع، تقویت و حمایت می‌کنند و به مبارزان قهرمان آن درود می‌فرستند.

تا زمانی که تحقیقات بیشتر و دانش مستقیم تری از کل این تجربه به دست نیامده است، به ویژه در رابطه با تصویری که حزب کمونیست پرو نسبت به نظامی

سازی حزب ایجاد کرده است، با این حال باید این تصور را تجلی مثبت تلاشی معتبر و جدی بدانیم. یک حزب انقلابی فراگیر بسازید که قادر باشد همه اشکال مبارزه برای تسخیر قدرت را به عهده بگیرد و از آن حمایت کند. ساختن چنین حزبی برای تک تک انقلابیون، در هر کجا که هستند، یک مسئولیت و یک وظیفه فوری است.

«وظیفه مرکزی یک حزب کمونیست، تصرف قدرت برای پرولتاریا و مردم است. حزب پس از تشکیل، و بر اساس شرایط مشخص، باید تلاش کند تا تصرف قدرت را انجام دهد، کاری که فقط از طریق جنگ خلق می‌تواند انجام دهد».

(ابیمال گوزمان، جولای ۱۹۸۸)

-----پاورقی-----

۱. «مسیر یا راه درخشان» نامی است که بورژوازی و امپریالیست ها برای حزب کمونیست پرو (PCP) به رهبری ابیمال گوزمان تعیین کردند. حزب کمونیست چین ریشه در مبارزات ضد رویونیستی در حزب کمونیست قدیمی پرو دارد که در سال ۱۹۲۸ توسط خوزه کارلوس ماریتگی تأسیس شد. در اوایل دهه ۱۹۷۰، بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌ها، تازه‌تشکیل‌شده، میراث انقلابی حزب قدیمی را از دوران ماریتگی بازپس می‌گرفتند. گروهی به رهبری گوزمان در آن زمان روزنامه‌ای به نام باندرا روجا («درفش سرخ») منتشر می‌کردند که سربرگ آن این شعار را نشان می‌داد: «در مسیر درخشان ماریتگی». این همان چیزی است که باعث شد بورژوازی - از جمله سرویس اطلاعاتی - از حزب گوزمان به عنوان «مسیر درخشان» یاد کند، تا راهی برای متمایز کردن آن از سایر سازمان‌هایی که از همان مخفف (PCP) استفاده می‌کنند. منصفانه است که بگوییم PCP گوزمن به عنوان ثابت ترین وارث میراث انقلابی ماریتگی ظاهر شده است.

۲. باربارا کراست، «در مسیر درخشان پرو، ایالات متحده جاده ای به سوی ویرانی می‌بیند»، نیویورک تایمز، ۲۲ مارچ ۱۹۹۲

(<http://www.nytimes.com/2022/03/19/weekinreview/the-world-in-pro-s-shining-path-ussees-road-to-ruin.html>).

۳. گوردون اچ. مک کورمیک، مسیر درخشان و آینده پرو، شرکت رند، مارچ ۱۹۹۰

(<https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/reports/2005/R.3781.pdf>).

۴. گوردون اچ. مک کورمیک، از سیرا تا شهرها: کمپاین شهری مسیر درخشان، شرکت رند، ۱۹۹۲

(<http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/reports/2005/R.4150.PDF>).

۵. ES, «El diario Internacional et Luis Arce Borja : Le parcours tordu d'un " comagnon de route " Arsenal, No, ۶, November ۲۰۰۵

(<http://www.pcr-rcp.ca/fr/2256/>)

۶. «Perou du communiste Parti le appuyons Nous! : قطعنامه ۴e کنگره دو گروه اقدام سوسیالیستی «, Maintenant Socialisme, ۵۱. No, ۱۹۹۲ September. [ترجمه ما]

۷. برای بررسی اجمالی بحثی که در مورد سلف RCP-PCR انجام شد، به «اقدام سوسیالیستی (۱۹۸۶ - ۲۰۰۰): یک تجربه فراموش نشدنی» در <http://archives/en/ca.rcp-pcr.www/> مراجعه کنید.
۸. نامه حزب کمونیست نپال (مرکز وحدت) به حزب کمونیست پرو در مورد دستگیری کام. گونزالو، "The کارگر، شماره ۱، فبروری ۱۹۹۳
- (<http://bannedthought.net/Nepal/worker/worker/۰۱-index.htm>).
۹. جنبش انقلابی انترناسیونالیستی که در سال ۱۹۸۴ تأسیس شد، در ابتدا حدود ۲۰ حزب و سازمان مارکسیست-لنینیست را گرد هم آورد که متعهد به دفاع از مشارکت های سیاسی و نظری مائو تسه دون و انقلاب چین، به ویژه انقلاب بزرگ فرهنگی پرولتری بودند. حزب کمونیست پرو، در سال ۱۹۸۶ به آن پیوست و تأثیر زیادی بر تکامل آن گذاشت. با این حال، تا سال ۱۹۹۳ بود که ریم رسماً با پذیرش «زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم!» به وضوح تصمیم به حمایت از مائوئیسم گرفت. رهبری ریم در حدود سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ در نتیجه تثبیت یک خط رویزیونیستی در حزب کمونیست متحد نپال (مائوئیست) و دور شدن حزب کمونیست انقلابی (RCP)، ایالات متحده آمریکا) از م ل م منحل شد.
۱۰. این متن سخنرانی معروف ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۲ ابی میل گوزمان را ببینید، دو هفته پس از دستگیری اش، زمانی که دستگیرشدگان او را در قفسی مانند حیوان سیرک در مقابل خبرنگاران پر سر و صدا پرویی و خارجی نشان دادند:
- <http://bannedthought.net/international/RIM/AWTIW/۱۸-۱۹۹۲/win-new-victories.htm>.
۱۱. Roja Bandera Ediciones, Bandera Nueva la Por, Peru del Comunista Partido, Central Comite. ۱۹۸۰. نسخه های اسپانیایی اصلی اسناد حزب کمونیست پرو، به راحتی در چندین وب سایت یافت می شوند. نسخه های انگلیسی یا فرانسوی زبان نیز به طور گسترده در دسترس هستند، اگرچه لزوماً ترجمه رسمی مورد تأیید حزب نیستند. هنگام تکیه بر ترجمه های موجود، آنها را با نسخه های اصلی اسپانیایی مقایسه کردیم تا از مطابقت آنها اطمینان حاصل کنیم.
۱۲. Comité Central Ampliado, Partido Comunista del Pro, Somos Los Iniciadores, Ediciones. ۱۹۸۰، بان روجا،
۱۳. Comité Central, Partido Comunista del Peru, ¡No Sino Generalizar la Guerra de Guerrilla para conquistar el Poder para el pueblo! Ediciones Bandera Roja. ۱۹۸۰،
۱۴. Desarrollar la Guerra Popular Sirviendo a la Revolucion Mundial. ۱۹۸۶،
۱۵. این مورد مبارزان «کمونیست های سلولی» از بلژیک بود، که عمدتاً از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ فعال بودند. در سال ۱۹۹۰، «Collectif CCC des s(e) burgnier des»، رویکرد خود را در سندی توضیح داد که اختلافات خود را با حزب کمونیست اسپانیا (تأسیس مجدد) بیان می کرد: «Camarades les "avec Divergence Une – Combattant Parti le Sur» این سند در آدرس زیر موجود است:
- <http://cellulescommunistescombattantes.be/pdf/surlepc.pdf>.
۱۶. Desarrollar la Guerra Popular Sirviendo a la Revolucion Mundial, op. cit.
۱۷. Linea de construccion de lost res instrumentos de la revolucion. ۱۹۸۸،
۱۸. <https://youtu.be/HnH-MguEIU> موجود در یوتیوب:
۱۹. Linea de construccion de lost res instrumentos de la revolucion, op. cit.



سیزدهم میزان روز بنیان گذاری جنبش مارکسیستی - لنینیستی	
مائوئیستی افغانستان گرامی باد!	صفحه (۱۵)
حمله هوایی پاکستان به افغانستان و موضع حزب کمونیست (مائوئیست)	
افغانستان در قبال جنگ بین دو کشور	صفحه (۱۷)
نکاتی مختصر پیرامون حمله هوایی پاکستان به افغانستان	صفحه (۱۹)
بیست و چهارم اسد را به روز قیام عمومی بدل کنید !	صفحه (۲۰)
دعوتنامه نشست بین المللی	صفحه (۲۲)
پیشنهادهای ما پیرامون دعوتنامه نشست بین المللی	صفحه (۲۲)
فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مائوئیست) به صفوف حزب، نیروهای PLGA، سازمان های توده ای انقلابی و مردم!	صفحه (۲۴)
گزارش نشست بین المللی	صفحه (۲۵)
بیانیه مطبوعاتی ... حزب کمونیست هند (مائوئیست)	صفحه (۲۶)
نامه حزب کمونیست (سوئیس) به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در مورد بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست (سوئیس)	صفحه (۲۷)
نامه پیشنهادی ما به حزب کمونیست (سوئیس)	صفحه (۲۸)
جنگ خلق و نظامی شدن حزب انقلابی (در مورد پرو)	صفحه (۳۰)

وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:



www.cmpa.io



Sholajawid@cmpa.io || Sholajawid2@hotmail.com



facebook.com/cmpa.io



twitter.com/cmpa_io



instagram.com/cmpa.io

« طبقه ستم کشی که برای آموختن طرز استعمال اسلحه و به دست آوردن آن نکوشد، فقط شایسته آنست که با وی همانند برده رفتار کنند. » (لنین)